

دیباچه‌ای بر سرمایه اجتماعی و رابطه آن با مؤلفه‌های توسعه اجتماعی در ایران

دکتر سیداسکندر صیدایی^۱

مهندس محمدعلی احمدی شاپورآبادی^۲

دکتر حسین معین آبادی^۳

(تاریخ دریافت ۸۸/۶/۲۶ - تاریخ تصویب ۸۸/۸/۱۰)

چکیده

نوشتار حاضر، با هدف کلی بررسی سرمایه اجتماعی در ایران و ارتباط آن با مؤلفه‌های توسعه، بالاخص توسعه اجتماعی به شیوه اسنادی و با استفاده از روش تحلیل ثانویه تدوین شده است. شناخت این ارتباط از طریق به تصویر کشیدن نابسامانی‌های اجتماعی و توزیع نابرابر منابع، امکانات و نیز پیوند این مؤلفه‌ها با سرمایه اجتماعی امکان‌پذیر گردیده است. بررسی متون پژوهشی و تحقیقات نظری و تجربی صورت گرفته همسو با یافته‌های این مطالعه، برخی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در کشور را در سطح نازلی ارزیابی می‌کند. همچنین یافته‌های مقاله پیش‌رو نشانگر این است که روند برخی از نابسامانی‌ها و آسیب‌های اجتماعی در طی سال‌های اخیر افزایش یافته است. به نظر می‌رسد که افزایش این نابسامانی‌ها رابطه‌ای تنگاتنگ با عدم تعادل و نابرابری فضایی حاصل از توزیع نابرابر منابع و امکانات در سطح کشور دارد. گسترش فقر و نابرابری‌ها در جامعه ناشی از توزیع ناعادلانه، بر اساس سلسله‌ای از روابط علت و معلولی، زمینه بروز مسائل و

۱- استادیار گروه جغرافیای دانشگاه اصفهان

۲- دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی دانشگاه اصفهان، ahshapoorabady@Gmail.com

۳- دکتری علوم سیاسی دانشگاه شهید بهشتی

نابسامانی‌ها و آسیب‌های اجتماعی را فراهم می‌نماید. مشکلات ناشی از چنین بحران‌هایی که روند سقوط سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهد، خود سبب کندی حرکت در مسیر توسعه و بالاخص توسعه اجتماعی کشور می‌گردد. در تلفیق و جمع‌بندی می‌توان این فرض را نمود که بین سرمایه اجتماعی و فرایند توسعه در مرحله‌ای که عدم تعادل‌ها، نابرابری‌ها، نابسامانی‌ها و تبعیض‌ها وجود دارد، چگونگی توسعه و برنامه‌های آن در توزیع مفید منابع در ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی نقش دارد. سپس بعد از آنکه با عناصری مانند آگاهی، توانمندسازی، اعتماد و مشارکت، سرمایه اجتماعی شکل گرفت؛ این سرمایه می‌تواند به عنوان یک متغیر مهم در برنامه‌های توسعه‌ای وارد عمل شود و به کارآمدی برنامه‌ها و همراهی و همکاری آحاد مردم منجر گردد.

واژگان کلیدی: سرمایه اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی، نابرابری‌ها، اعتماد اجتماعی، توسعه اجتماعی.

مقدمه و طرح مسأله

یکی از جنبه‌های مهم در توسعه پایدار اجتماعی استفاده از مفهوم سرمایه در وجه اجتماعی آن است. هر چند واژه سرمایه اساساً در قلمرو اقتصادی به کار گرفته می‌شود، اما از حدود دو دهه گذشته در قلمرو اجتماعی مورد پذیرش رو به فزاینده‌ای قرار گرفته است و در حال حاضر به عنوان یکی از موارد مهم در توسعه‌یافتگی مطرح می‌باشد (مرکز ملی آمایش، ۱۳۸۵: ۷۹). به سه نوع سرمایه‌ای که به طور متداول در تحلیل‌های اقتصادی تحت عناوین سرمایه فیزیکی یا تولیدی، سرمایه طبیعی و سرمایه انسانی از آنها نام برده می‌شود، اکنون نوع چهارمی با عنوان سرمایه اجتماعی اضافه شده است (سراج‌الدین، ۱۹۹۶). به طور معمول، آنچه توسعه و رشد اقتصادی بر پایه آن بنا شده، شامل سرمایه طبیعی، سرمایه فیزیکی یا تولیدی و سرمایه انسانی است که به عنوان ثروت یک ملت شناخته می‌شود. این مسئله به تازگی معلوم شده است که این سه نوع سرمایه، فقط بخشی از فرایند رشد اقتصادی را تعیین می‌کنند؛ چرا که این‌ها از راهی که بازیگران اقتصادی با یکدیگر تعامل می‌کنند و به یکدیگر نظم می‌بخشند تا رشد و توسعه را فراهم آورند، چشم می‌پوشند. پس برای بررسی اختلاف رشد میان کشورهایی که از نظر آن سه دسته سرمایه، دارای وضعیت یکسانی هستند، باید در پی حلقه‌های دیگر بود؛ آن حلقه مفقوده، سرمایه اجتماعی است (شارع پور، ۱۳۸۵: ۲۳).

از جمله مسائل و دغدغه‌های سیاستگذاران و برنامه‌ریزان کشور، این موضوع است که چرا به رغم تمام برنامه‌ریزی‌ها و سرمایه‌گذاری‌های متعددی که دولت در بخش‌های اقتصادی انجام می‌دهد، نمی‌توان بر شرایط دشوار اقتصادی و مشکلات معیشتی مردم فائق آمد. معمولاً زمانی که از مشکلات اقتصادی کشور سخن به میان می‌آید، اغلب کمبود سرمایه فیزیکی (مادی) به عنوان یکی از بزرگترین معضلات نام برده می‌شود و از سرمایه‌های اجتماعی هیچ سخنی به میان نمی‌آید. این در حالی است که نیاز به سرمایه اجتماعی در شرایط رکودی یا تورمی که نیاز به اعتمادسازی است، بیش از هر سرمایه دیگری احساس می‌شود و سرمایه اجتماعی در کنار سایر سرمایه‌ها می‌تواند بسیاری از معماهای لاینحل اجتماعی را از سر راه حرکات توسعه‌ای جامعه بردارد و رشد شتابان اقتصادی، اجتماعی را امکان‌پذیر نمایند (متوسلی و بی‌نیاز، ۱۳۷۵: ۳۶-۳۵).

از یک سو تکیه بر درآمدهای نفتی سبب عدم توجه به مشارکت‌های مردمی، منابع درآمدهای منطقه‌ای، عدم توسعه محلی و منطقه‌ای کشور و فاصله زیاد مناطق نسبت به هم گردیده و باعث شده تا همه جوامع و مناطق نتوانند متناسب با قابلیت‌های توسعه و مزیت‌های نسبی خود از مواهب توسعه ملی برخوردار گردند. از دیگر سو چنین تفاوت‌هایی در توسعه‌یافتگی کشور و استان‌ها و نیز شکاف توسعه ناشی از توزیع نامناسب منابع (کلاتری و گنجی، ۱۳۸۴) با ایفای نقش متمرکز دولت در چارچوب وظایف مستمر و... میسر نگردیده و نیازمند به سطوح مختلف متناسب تصمیم‌گیری بوده تا بتواند بخش‌های غیردولتی، نهادها، اصناف و ... در امور اقتصادی، اجتماعی به حرکت وادار سازد (پوراحمد، ۱۳۸۱: ۶۴ - ۶۳)، که این مهم در سایه توجه به سرمایه اجتماعی امکان‌پذیر می‌گردد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در صورت فقدان سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست می‌دهند و بدون سرمایه اجتماعی، پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی ناهموار و دشوار می‌نماید. از این رو موضوع سرمایه اجتماعی به عنوان یک اصل محوری برای دستیابی به توسعه محسوب می‌گردد (الوانی و شیروانی، ۱۳۸۲: ۱۴۷).

نوشتار حاضر با هدف کلی بررسی سرمایه اجتماعی در ایران با استفاده از روش اسنادی و تحلیل ثانویه، تدوین شده است. شناخت این ارتباط از طریق به تصویر کشیدن نابرابری‌های اجتماعی، اقتصادی و توزیع نابرابر منابع و امکانات و نیز نابسامانی‌های اجتماعی در کشور امکان‌پذیر گردیده است. اهداف اختصاصی در مطالعه انجام شده مشتمل بر هم پیوندی نظری بین سرمایه اجتماعی و

توسعه اجتماعی می‌باشد. همچنین با توجه به اهمیت سرمایه اجتماعی در توسعه اجتماعی و کارکردهای بالقوه آن در توسعه و صرفه‌جویی‌ها در هزینه‌های مدیریتی، کنترل و نظارت و حل تعارضات؛ برنامه‌ریزی‌های مختلفی برای افزایش ذخیره این سرمایه لازم است که در این ارتباط نقش دولت بررسی می‌گردد. به علاوه، اشاره‌ای به شیوه‌های سنجش سرمایه اجتماعی و جنبه‌های منفی سرمایه اجتماعی نیز شده است.

جهت دستیابی به اهداف فوق‌الذکر، قبل از ارائه چارچوب نظری به طور مختصر به پیشینه مطالعات پرداخته می‌شود. بعد از چارچوب نظری با استفاده از داده‌ها، شاخص‌ها و مؤلفه‌ها، پیوند بین سرمایه اجتماعی در ایران با برنامه‌های توسعه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. در نهایت پیشنهادهایی جهت ایجاد و ارتقای سرمایه اجتماعی به منظور استفاده بهینه از امکانات و فرصت‌ها و غلبه بر عدم تعادل‌های اجتماعی و اقتصادی ارائه می‌شود.

۲ - پیشینه مطالعات

از جمله پژوهش‌هایی که از نظر سنجش سرمایه اجتماعی قابل ارجاع است - اگرچه به زعم برخی از محققان به معنای سنجش کامل سرمایه اجتماعی نیست - به اجمال می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد. پژوهش اسدی و همکاران با عنوان «گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران» که در سال ۱۳۵۳ در میان ۴۴۲۰ خانوار شهری و روستایی در ۲۴ شهرستان انجام شده است. هم چنین پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه در ایران در سال ۱۳۵۸ در سطح شهر تهران و در میان ۷۰۰ خانوار، پژوهشی با عنوان «گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران» به اجرا درآورد (محسنی، ۱۳۷۹: ۱۵). اثر ارزشمند فرامرز رفیع پور (۱۳۷۶) با عنوان توسعه و تضاد به سنجش بسیاری از آراء و تغییر ارزش‌ها و نگرش‌ها پرداخته که تا حدودی قابل ارجاع است.

سه پژوهش در سطح ملی بعد از انقلاب اسلامی در ایران انجام شده است. یکی با عنوان بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران توسط محسنی (۱۳۷۹) و به سفارش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به اجرا درآمد. دو پژوهش دیگر با عنوان «پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان» است که در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ بر اساس ماده ۱۶۲ قانون برنامه سوم توسعه در مراکز ۲۸ استان کشور توسط جمعی از اساتید به اجرا درآمد که در نوع خود کم نظیر بود. در ایران در چند سال گذشته تحقیقات متعددی درباره سرمایه اجتماعی و یا برخی از عناصر آن در شکل پژوهش‌های مستقل و پایان نامه‌ها و مقالات می‌توان ملاحظه نمود. از آن جمله سنجش

سرمایه اجتماعی در استان مازندران توسط شارع‌پور، سنجش سرمایه اجتماعی در شهر تهران و عوامل مؤثر بر آن توسط ناطق‌پور و فیروزآبادی، بررسی اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین ساکنان شهر زنجان توسط اوجاقلو و زاهدی انجام گرفته است. افزون بر این سرمایه اجتماعی توسط کسان دیگری هم در مناطق مختلف ایران مورد بررسی قرار گرفته است (فیروزآبادی و ایمانی جاجرمی ۱۳۸۵، قاسمی و همکاران، ۱۳۸۵، صفری‌شالی، ۱۳۸۴ و.....). عبداللهی و موسوی، با توجه به پایین بودن میزان سرمایه اجتماعی، غلبه گونه قدیم بر جدید و نقش منفی آن از لحاظ جلوگیری از تحقق انسجام جمعی در سطح ملی، تقویت سرمایه اجتماعی جدید به ویژه در بعد روابط انجمنی و پیامدهای مثبت آن از طریق اصلاح و بهبود محیط اجتماعی کنشگران فردی و جمعی، تقویت نهادهای مدنی و اصلاح بینش‌ها و کنش‌های افراد را ضروری دانسته‌اند. (عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۶: ۱۹۵).

حسینی و همکاران با انجام پژوهشی بر مبنای داده‌های ثانویه پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان به رتبه‌بندی سرمایه اجتماعی در مراکز ایران مبادرت نموده و نتیجه گرفته‌اند که با توجه به تفاوت‌های موجود، برای تعیین اهداف و سیاست‌هایی که در جهت افزایش سرمایه اجتماعی عمل می‌کند، باید مؤلفه‌ها و شاخص‌های مهم و تعیین‌کننده سرمایه اجتماعی آن بخش یا شهر را به صورت خاص مورد مطالعه قرار دهیم (حسینی و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۹).

از نظر دینی ترکمانی، علت افول سرمایه اجتماعی در ایران بیش از آنکه به عوامل اقتصادی یا فرهنگی مربوط شود، ریشه در سازمان درونی ضعیف دولت و رابطه دولت با نیروهای اجتماعی مربوط است (دینی ترکمانی، ۱۳۸۵: ۱۴۷).

ربانی خوراسگانی و ارشدی یکی از تغییرات مهم مؤثر بر تخریب سرمایه اجتماعی در ایران بعد از جنگ را جریان تغییر ارزش‌ها اعلام کرده‌اند که در این جریان ثروت‌اندوزی به یک ارزش تبدیل گردید. در این مقاله با ارزش شدن ثروت، حاصل وجود نابرابری‌های اجتماعی و فرایند نیازآفرینی قلمداد گردیده است، و برخی از عوامل فرهنگی مانند نیاز به احترام، آموزش احساسی و فشار هنجاری در ایران، احساس فقر و بی‌عدالتی، تغییر ارزش‌ها را تشدید کرده است (ربانی خوراسگانی و ارشدی، ۱۳۸۵: ۱۰۴).

به باور یارمحمد قاسمی، فرجام توسعه بی‌قواره و یک‌بعدی، با تأکید بر بخش سخت‌افزاری، چیزی جز سقوط سرمایه اجتماعی، انسانی یا به عبارت دیگر زیست‌جهان توسط سیستم نخواهد

بود. به زعم وی آسیب مدیریت توسعه از آنجا نشأت می‌گیرد که هدایت‌گران برنامه‌های توسعه، سمت و سوی آن را بر اساس نگاه تکنوکراسی ترسیم کرده و التفات چندانی به بعد نرم‌افزاری و انسانی آن نداشته‌اند. در نتیجه عقلانیت حاکم بر فرایند توسعه نوعی عقلانیت ابزاری را (البته نه با شدت و آهنگی که در جوامع صنعتی اتفاق افتاد) ایجاد نموده و علی‌رغم این که دولتمردان با شعارهای انسان‌گرایانه و دینی مدعی اداره کشورند، اما در عمل این تکنوکراسی است که حرف اول را در تدوین و اجرای برنامه‌های توسعه می‌زند (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۸۳).

برای اولین بار در یک مطالعه ملی، وضعیت سرمایه اجتماعی جوانان کشور، مورد سنجش و بررسی قرار گرفته است. این سنجش در سال ۱۳۸۶ توسط گروهی از جامعه‌شناسان و اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های کشور انجام شده است. بر این اساس ۴۹ درصد از جوانان معتقدند که وضعیت جامعه در آینده بهتر خواهد شد. ارتباط جوانان با نهادها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی کم است. میزان سرمایه اجتماعی جوانان کشور به طور کلی، کم رو به متوسط است. میزان اعتماد بین فردی جوانان کم است و برخی از ابعاد سرمایه اجتماعی قدیم دچار فرسایش شده، اما سرمایه اجتماعی جدید هنوز شکل نگرفته است (موسوی و همکاران، ۱۳۸۷ بر گرفته از ایسنا، ۱۳۸۷).

عده‌ای همچون منوچهر صبوری، غلامعباس توسلی، دلفروز و تاجبخش هم برخی از آثار صاحب‌نظران و پژوهشگران سرمایه اجتماعی نظیر کلمن، فوکویاما، پاتنام و غیره را به فارسی ترجمه کرده‌اند. علی‌رغم اقبال روزافزون به مفهوم سرمایه اجتماعی در ایران، هنوز ابزار مناسبی برای سنجش و چارچوب مفهومی جامعی برای تحلیل آن تنظیم و ارائه نگردیده و ضرورت و جایگاه و اهمیت آن در فرایند توسعه متوازن و پایدار برای مردم و برخی از مسئولان، آن طوری که باید، روشن نشده است. علاوه بر مطالعه تجربی در هریک از کشورهای مذکور، برخی هم به مطالعه تطبیقی آن در بین جوامع پرداخته‌اند.

در جمع‌بندی نتایج حاصل از مرور منابع تجربی باید گفت که در آنها سرمایه اجتماعی با مؤلفه‌ها، شاخص‌ها و معرف‌های متفاوتی مورد سنجش قرار گرفته، به طوری که مقایسه نتایج حاصل از آن‌ها به دلیل نبود ابزار یا خط‌کش واحد، مشکل است. علی‌رغم توفیق نسبی پژوهشگران در تعریف و توصیف سرمایه اجتماعی، در تحلیل آن موفق نبوده‌اند. اغلب منابع تجربی خصلتی توصیفی دارند و در تعداد بسیار اندکی از آنها سعی شده است علاوه بر توصیف، به تحلیل سرمایه اجتماعی هم پرداخته شود که با توجه به ضعف مبانی نظری، توفیق قابل توجهی

هم پیدا نکرده‌اند. در اغلب منابع تجربی به کارکرد یا پیامدهای گونه‌های سرمایه اجتماعی یا اثرات حاصل از تغییرات (کاهش یا افزایش) آنها توجه نشده است. در این زمینه بیشتر روی پیامدهایی چون تسهیل کنش‌ها و منابع فردی و جمعی توسعه اقتصادی، جلب مشارکت و همکاری گروهی، کاهش آسیب‌های اجتماعی و پیشگیری از گسترش آنها و تأمین سلامت و رفاه انسان تأکید شده است. تقریباً آنچه در دیدگاه‌های نظری مطرح شده در منابع تجربی هم در عمل ولی به طور پراکنده مورد تأیید قرار گرفته است (عبداللهی و موسوی، ۱۳۸۶: ۲۰۸).

تحقیقات خارجی درباره سرمایه اجتماعی به طور گسترده و با روش‌های متنوعی انجام شده است. یکی از منابع عمده اطلاعاتی این تحقیقات پیمایش جهانی ارزش‌ها است که در سطح جهانی انجام می‌گیرد. یافته‌های این پیمایش‌ها علاوه بر کمک به فرضیه‌سازی و فرضیه‌آزمایی به جرح و تعدیل نظریات و نظریه‌سازی نیز یاری می‌رساند (بوستانی، ۱۳۸۴: ۶۴).

رایس و لینگ^۱ رابطه بین سرمایه اجتماعی، دموکراسی و پیشرفت اقتصادی را در یازده کشور اروپایی و آمریکایی مورد بررسی قرار داده‌اند و معتقدند سرمایه اجتماعی اثرات انکارناپذیری بر دموکراسی و پیشرفت اقتصادی دارد (رایس و لینگ، ۲۰۰۲).

آلسینا و لفرثرا^۲ (۲۰۰۰) به بررسی تفاوت در میزان اعتماد در بین ساکنان ایالات متحده آمریکا پرداختند. آنها به این نتیجه رسیدند که نابرابری‌های اجتماعی و عدم سنخیت نژادی و قومی در سطح محلی از عوامل اصلی تعیین‌کننده اعتماد هستند. این یافته با استدلال نک و زک^۳ (۱۹۹۸) همخوانی دارد. این دو محقق، قائل به پیوند و ارتباط بین اعتماد و فاصله اجتماعی هستند که خود فاصله اجتماعی از طریق نابرابری در درآمد سنجیده می‌شود (شارع پور، ۱۳۸۵: ۵۴).

طبق آنچه هی‌یرپ^۴ (۲۰۰۳) در مقاله خود به نقل از فوکویاما (۱۹۹۵) مطرح می‌کند، ژاپن و آلمان بر مبنای شواهد کمی، جزء کشورهایی با اعتماد بالا طبقه‌بندی می‌شوند که توانایی بسط و گسترش نگاه‌های بزرگ در این کشورها بیشتر وجود دارد. در این گونه جوامع، اعتماد فقط به خاطر پیوندهای خانوادگی شکل نگرفته است. فوکویاما در مقابل این دسته از کشورها، فرانسه، ایتالیا، چین،

۱ - Rice & Ling

۲ - Alesina and La Ferrara

۳ - Knack and Zak

۴ - Heiyerep

کره و تایوان را به عنوان کشورهایی با اعتماد کم برمی‌شمارد که بنگاه‌های عظیم در این کشورها، بر اساس پیوندهای خانوادگی و خاندانی شکل می‌گیرند (حسینی، ۱۳۸۴: ۷۸). بدین ترتیب می‌توان گفت سرمایه اجتماعی می‌تواند سطح تولید ملی را افزایش دهد (شارع پور، ۱۳۸۵: ۹۱).

۳ - چارچوب نظری

۳ - ۱ - مفهوم و تعریف سرمایه اجتماعی

مفهوم سرمایه اجتماعی از جمله مفاهیم مدرن است که در گفتمان علوم اجتماعی و محافل سیاسی معاصر در سطوح مختلف استفاده شده است. هر چند این مفهوم پیشینه طولانی ندارد. اما کاربرد آن به تدریج از دهه ۱۹۹۰ به این سو در ترها و مقالات دانشگاهی - بویژه در رشته‌های جامعه‌شناسی، اقتصاد، سیاست و آموزش - با کارهای افرادی چون جیمز کلمن، پیربوردیو، رابرت پاتنام و فرانسیس فوکویاما افزایش یافته است (وال^۱، ۱۹۹۸: ۲۵۹).

بزعم کلمن، «مفهوم سرمایه اجتماعی به مثابه ابزار تحلیلی برای پژوهش‌های اجتماعی است. کلمن بر این باور است که سرمایه اجتماعی در روشن ساختن یکی از مشکلات مهم تحلیل اجتماعی یا آنچه پیوند خرد و کلان نام گرفته است، نقش مؤثری را می‌تواند ایفا کند» (کلمن، ۱۹۸۸: ۴۵۹). همچنین استفاده از مفهوم سرمایه اجتماعی با توجه به روند جهانی شدن و تضعیف نقش دولت‌های ملی، به عنوان راه حلی اجرایی در سطح اجتماعات محلی برای مشکلات توسعه، مورد توجه سیاستگذاران، برنامه‌ریزان و مسئولان سیاست اجتماعی قرار گرفته است (وارنر^۲، ۱۹۹۹: ۱۲۶).

تعریف رایج سرمایه اجتماعی در جریان اصلی جامعه‌شناسی آمریکایی - بویژه در روایت کارکردگرایانه آن - عبارت است از روابط دو جانبه تعاملات و شبکه‌هایی که در میان گروه‌های انسانی پدیدار می‌گردند و سطح اعتمادی که در میان گروه و جماعت خاصی به عنوان پیامد تعهدات و هنجارهایی پیوسته با ساختار اجتماعی یافت می‌شود. در مقابل جامعه‌شناسی اروپایی این مفهوم را در بررسی این موضوع به کار می‌گیرند که چگونه تحرک پیوندهای مربوط به شبکه‌های اجتماعی، سلسله مراتب اجتماعی و قدرت تمایز یافته را تقویت می‌کند. با وجود این نکات

۱ - Wall

۲ - Warner

مشترک این دودیدگاه در مورد سودمندی سرمایه اجتماعی در افزایش برخی ویژگی‌ها مانند آموزش، تحرک اجتماعی، رشد اقتصادی، برتری سیاسی و در نهایت توسعه است (وال، ۱۹۹۸: ۳۰۴).

علاوه بر تعاریف فوق، از سرمایه اجتماعی تعاریف مختلفی نیز ارائه گردیده است. یکی از تعاریف مطرح این است که «سرمایه اجتماعی مجموعه هنجارهای موجود در سیستم اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه گردیده و موجب پایین آمدن سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌گردد». بر اساس این تعریف، مفاهیمی نظیر جامعه مدنی و نهادهای اجتماعی نیز دارای ارتباط مفهومی نزدیکی با سرمایه اجتماعی می‌گردند. (فوکویاما، ۱۹۹۹: ۵). بانک جهانی نیز سرمایه اجتماعی را پدیده‌ای می‌داند که حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها بر روی کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی است و تجارب این سازمان نشان داده است که این پدیده تأثیر قابل توجهی بر اقتصاد و توسعه کشورهای مختلف دارد (بانک جهانی، ۱۹۹۸).

سرمایه اجتماعی بر خلاف سایر سرمایه‌ها به صورت فیزیکی وجود ندارد بلکه حاصل تعاملات هنجارهای گروهی و اجتماعی بوده و از طرف دیگر افزایش آن می‌تواند موجب پایین آمدن جدی سطح هزینه‌های اداره جامعه و نیز هزینه‌های عملیاتی سازمانی گردد. عناصری که می‌تواند در تعریف عملیاتی سرمایه اجتماعی مورد استفاده قرار گیرند، عبارتند از:

- ۱- سرمایه اجتماعی به تعامل اجتماعی بین افراد بستگی دارد و کنش‌های جمعی افراد جزء جدایی‌ناپذیر آن است.
- ۲- جستجو برای راه حل‌های همکارانه و تلاش برای دستیابی به منابع دو طرفه در این مفهوم محوریت اساسی دارد.
- ۳- مشارکت در شبکه‌های اجتماعی، تمایل به همکاری و اعتماد بین افراد در اکثر تعاریف وجود دارد. (قدوسی، ۱۳۸۴، به نقل از کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۲).

سرمایه اجتماعی را می‌توان حاصل پدیده‌های ذیل در یک سیستم اجتماعی دانست: اعتماد متقابل؛ تعامل اجتماعی متقابل؛ گروه‌های اجتماعی با احساس هویت جمعی و گروهی؛ احساس وجود تصویری مشترک از آینده؛ کار گروهی. (علوی، ۱۳۸۰: ۳۴ به نقل از فلورا، ۱۹۹۹).

۳-۲- نقش دولت در ایجاد سرمایه اجتماعی

دغدغهٔ تنزل روابط اجتماعی از جمله موضوعاتی است که به کرات در جامعه‌شناسی کلاسیک معاصر به چشم می‌خورد. شاید بتوان به تعبیری گفت که تولد جامعه‌شناسی، معلول نگرانی از روند رو به تنزل روابط اجتماعی در نتیجه صنعتی شدن است. در قرن حاضر نیروهای اقتصادی رونق یافته و اندازه دولت رشد قابل توجهی داشته و در مقابل قدرت شبکه‌های اجتماعی تا حدودی کاهش یافته است. اکنون به نظر می‌رسد که به تعبیر وولف هم بازار و هم دولت به انسان‌ها به عنوان پیروان قواعد می‌نگرند نه قاعده‌سازان. این تضعیف اجتماع، برای دولت و بازار هم مشکلاتی پدید آورده است. به همین جهت سیاست‌گذاری‌های عمومی بایستی بکوشند تا تعادل درستی بین اقتصاد بازار، دولت و جامعه مدنی به وجود آورند ولی در اغلب موارد، نقش بازار و دولت افزایش یافته و اجتماع تضعیف شده است (شارع پور، ۱۳۸۵: ۵).

عامل تعیین‌کننده توسعه، به رغم تجربه‌های متفاوت، کارآمد بودن دولت است. وجود دولت کارآمد برای فراهم آوردن کالاها و خدماتی (مقررات و نهادهایی) که به بازار اجازه رشد و شکوفایی دهد و مردم را به سوی زندگی سالم‌تر و سعادت‌مندتر سوق دهد، حیاتی است. بدون وجود چنین دولتی، توسعه پایدار در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی غیرممکن است. ۵۰ سال پیش بسیاری از اندیشمندان دقیقاً همین نظر را عنوان می‌کردند اما رفته رفته تمایل خود را اینگونه بیان کردند که توسعه باید دولت‌مدار باشد. از آن هنگام تا به امروز توسعه پیام متفاوتی را به ما می‌دهد: دولت در فرآیند توسعه اجتماعی و اقتصادی نقش محوری دارد، با این حال نه به عنوان فراهم‌کننده مستقیم رشد بلکه به عنوان یک شریک، عامل تسریع و تسهیل‌کننده در روند توسعه (الوانی، ۱۳۷۸: ۳۰)، به نقل از بانک جهانی، ۱۳۷۸: ۲). به نظر فوکویاما مهمترین اقداماتی که توسط دولت‌ها می‌تواند برای تقویت سرمایه اجتماعی انجام شود عبارتند از: تشویق و تقویت تشکیل نهادهای مدنی با تقویت و غنی‌سازی آموزش‌های عمومی؛ تأمین امنیت شهروندان در جهت حضور داوطلبانه در نهادهای اجتماعی با پرهیز از تصدی‌گری بخش‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و واگذاری فعالیت‌های مربوط به نهادهای مردمی برای جلب مشارکت آنها در فعالیت‌ها و زمینه‌سازی ایجاد و تقویت نهادهای اجتماعی و شبکه‌های اعتماد بین آحاد مختلف مردم (فوکویاما، ۱۹۹۹: ۴۹۰).

در شرایط کنونی و با توجه به گستردگی و پیچیدگی فعالیت‌های کنونی و نیز گستردگی و پیچیدگی فعالیت‌های دولت، جز از طریق مشارکت و هم‌اندیشی با شهروندان در یک ساختار

مشارکتی راه دبگری برای ادامه حیات مدیریت دولتی وجود ندارد(الوانی و شیروانی، ۱۳۸۳: ۱۴۶).

شاید مهمترین بعد کیفیت از بخش دولتی، رفتار مناسب و عادلانه با ارباب رجوع آنها باشد. یکی از مسائلی که موجب از میان رفتن سرمایه اجتماعی می‌شود، رفتار ناعادلانه با مردم توسط سازمان‌های دولتی است. برای ایجاد سرمایه اجتماعی، کارگزاران بخش دولتی باید بر این عارضه غلبه کرده و نوعی رفتار توأم با عدالت را با دیگران برقرار سازند(الوانی و شیروانی، ۱۳۸۳: ۱۴۷).

در الگوی توسعه پایدار اقتصاد، انسان و محیط همزمان مورد توجه قرار می‌گیرند و مدیران با استفاده از این مدل باید تلاش کنند که نوعی تقارب و همگرایی در سه دیدگاه اقتصادی، انسانی و زیست محیطی به وجود آورده و با این نگرش به استقبال آینده بروند. مدیران با حمایت از توسعه‌ای با چنین اوصاف و خصائل است که می‌توانند در جلب اعتماد مردم توفیق یافته و با حفظ طبیعت و ارزش‌های انسانی به ایجاد و ازدیاد سرمایه اجتماعی بپردازند و با بهره‌گیری از این سرمایه زیر بنایی به جذب سایر سرمایه‌ها نیز موفق گردند(الوانی، ۱۳۷۸: ۳۱).

اگر رفتار و عمل مسئولان همراه و همسو با هنجارهای اجتماعی و باورهای عموم باشد، به سرمایه اجتماعی جامعه افزوده می‌شود. هم چنین بروز تنش در درون ساخت رسمی قدرت و تقابل نیروهای اصلی تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر، در هر سطح و اندازه‌ای که باشد به افت سرمایه اجتماعی منجر می‌شود.

اگر شهروندان به این نتیجه برسند که انجام امور از کانال‌های رسمی بی‌فایده است، یا حتی اگر چنین کانال‌هایی هنوز کارآمد باشد ولی دیگران آنها را از طریق رشوه و پارتی‌بازی تصاحب کرده باشند، طولی نخواهد کشید که شهروندان نسبت به هم بی‌اعتماد می‌شوند؛ این احساس از لحاظ سیاسی تبعات ناگواری در برخواهد داشت. از این رو مقابله جدی و قاطع با فساد در بدنه قدرت می‌توان ضامن صیانت از سرمایه اجتماعی و افزایش آن باشد(میرزاوند، ۱۳۸۴: ۱۲).

۳-۳- جنبه‌های منفی سرمایه اجتماعی

وجوه منفی سرمایه اجتماعی از دو جنبه بررسی می‌گردد؛ یکی تأثیر سرمایه اجتماعی در تقویت نابرابری(زیرا فواید سرمایه اجتماعی به شکل نابرابر توزیع شده است، و افراد دارای اتصالات بیشتر از مزایای آن بیشتر بهره می‌گیرند) و دیگری نقش سرمایه اجتماعی در حمایت از رفتارهای

ضد اجتماعی است (مانند همبستگی اجتماعی میان گروه‌های مخرب، حال چه این مخرب بودن ویژگی و هدف آگاهانه آنها باشد و چه محصول جانبی و ناخواسته آنها). در میان متفکرین، برای مثال پاتنام می‌گوید که سرمایه اجتماعی بی‌ضرر است و تنها مقداری هزینه دارد، فوکویاما سرمایه اجتماعی را خیر عمومی هم برای اقتصاد و هم برای کل جامعه می‌داند و تنها بعدها از اثرات منفی آن یاد می‌کند. پاتنام نه تنها از اثرات منفی سرمایه اجتماعی بلکه از اثرات منفی سرمایه فیزیکی و همچنین سرمایه انسانی یاد می‌کند و به ترتیب اسلحه و شکنجه را مثال می‌زند که البته احتمال اثرات منفی تولید شده توسط سرمایه اجتماعی را بیش از سرمایه فیزیکی و انسانی برآورد می‌کند. اعتماد نقش مهمی را در مفهوم فوکویاما از سرمایه اجتماعی بازی می‌کند و او نتایج منفی سرمایه اجتماعی را با استفاده از ایده «شعاع محور اعتماد» تشریح می‌نماید. هرچه شعاع اعتماد محدود به اعضای خود گروه باشد، احتمال بروز اثرات منفی بیشتر می‌شود (فوکویاما به نقل از فیلد، ۱۳۸۶: ۱۲۳). بوردیو و کلمن نیز درباره وجوه منفی سرمایه اجتماعی مطلع بوده‌اند اما در کل همه آنها به اندازه کافی به این وجوه منفی نپرداخته‌اند.

علیرغم اقبال روزافزون به مفهوم سرمایه اجتماعی در ایران و به رغم اثبات کاربرد سرمایه اجتماعی و مفید بودن چنین کاربردهایی در حیطه‌هایی چون توسعه اجتماعی، توسعه اقتصادی، توسعه منطقه‌ای، مطالعات اجتماع محلی، حکمرانی و جرم و خشونت و... روز به روز محدودیت‌های سرمایه اجتماعی روشن‌تر شده و از هیاهوی بسیار ناگهان در باب آن به عنوان کلید حل تمامی مسایل و مشکلات یا مفهومی جادویی به راه افتاده بود به شدت کاسته شده است. معلوم گردیده است که به علت بی‌توجهی در استفاده از آن که منجر به پیدایش بی‌دلیل ده‌ها نظرگاه و کارپایه مفهومی و نظری گردیده است، از یک سو و پیچیدگی ذاتی مفهوم از سوی دیگر، در مواردی کارآیی سرمایه اجتماعی محل تردید بوده و کنترل آن در فرایند پژوهش غیرممکن می‌گردد (پیران و همکاران، ۱۳۸۶: ۳۹).

به طور کلی و مختصر جنبه‌های منفی سرمایه اجتماعی شامل موارد ذیل است:

- ۱- تثبیت نابرابری‌های اجتماعی؛
- ۲- از دست دادن خلاقیت و آزادی افراد در پی حمایت گروهی و تقویت همبستگی؛
- ۳- تشویق و ترغیب نژادپرستی در پی تأکید بیش از حد بر گروه و شبکه اجتماعی خاص؛
- ۴- اثر سوء قدرت شبکه‌های اجتماعی به جهت ارضاء نیازهای احساسی و کم شدن وابستگی زوج‌ها در خانواده؛

۵- سرمایه اجتماعی به عنوان ابزاری در اختیار نخبگان جامعه است تا به وسیله آن بر دامنه امتیازات خود بیافزایند.

۳-۴- شیوه‌های ارزیابی سرمایه اجتماعی و کارکردهای آن

گروتارت^۱، شاخص‌های مربوط به سرمایه اجتماعی را در قالب مؤلفه‌های جامعه مدنی و سیاسی، وفاق اجتماعی، پیوستگی‌های افقی، و جنبه‌های قانونی و اداری، مورد توجه قرار داده است. شاخص‌های مربوط به بستگی‌های افقی، مربوط به دیدگاه خرد هستند که معمولاً برای تحلیل در درون یک کشور جمع‌آوری می‌شوند. سایر شاخص‌های مطرح شده که در سطح ملی محاسبه می‌شوند، در پژوهش‌های بین‌کشوری کاربرد دارند (غفاری، ۱۳۸۴: ۷۶).

مدلی که توسط محققین زیادی برای سنجش سرمایه اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته، مدلی است که توسط فالک و کیلپاتریک در سال ۲۰۰۰ میلادی ارائه شده است. این مدل، سرمایه اجتماعی را در سطح خرد، میانی و کلان مورد بررسی قرار می‌دهد.

در سطح خرد سرمایه اجتماعی اشاره به افراد موجود در شبکه دارد که بر اثر تعامل بین این افراد شناخت ایجاد می‌شود و هویت اعضای شکل می‌گیرد. در سطح میانی سرمایه اجتماعی به اجتماعات گروه‌ها و سازمان‌ها اشاره دارد و باعث تقویت و ساخت بنیان‌های ارزشی و تعاملی گروه می‌شود. در سطح کلان تمرکز بر جامعه است که گروه‌ها و سازمان‌های مختلف را در برمی‌گیرد و موجب شکل‌گیری و تقویت مراودات و ارتباطات جمعی شده و ارزش‌های مشترک را بهبود می‌بخشد. همه این سطوح با هم در ارتباط هستند و موجب تقویت یا نقصان همدیگر می‌شوند. بر پایه این مدل سرمایه اجتماعی شامل منابعی است که موجب افزایش ظرفیت جامعه یا سازمان می‌شود. در سطح فردی این منابع شامل شناخت و هویت است. منظور از منابع شناخت و دانش، منابع اطلاعات و شیوه‌های انجام کار و یا برطرف نمودن مشکلات پیش آمده در شبکه است. منابع هویت اشاره به هنجارها و ارزش‌ها دارد. به عبارتی منبع هویت به این که افراد تا چه اندازه دارای ارزش‌ها و بینش‌های مشترک بوده و قادر به کار با دیگران هستند، تمرکز دارد. این منابع شناخت و هویت در سطح اجتماع و سازمان با هم تلفیق شده و منبعی از سرمایه اجتماعی پدید می‌آورند که در سطح میانی به زیرساخت‌های ارزشی و تعاملی سازمان مربوط می‌شود و در

سطح کلان به زیر ساخت‌های مرادده‌ای و ارتباط اجتماعی، ارتباط دارد (الوانی، ۱۳۷۸: ۱۶). اینگلههارت^۱ اولین کسی است که به مطالعه ابعاد سرمایه اجتماعی در بین کشورها پرداخته است. او و همکارانش به جمع‌آوری داده‌ها در میان ۴۳ کشور پرداختند تا از این طریق نحوه تأثیر عوامل فرهنگی بر توسعه اقتصادی را بررسی کنند. نارایان^۲ و کسیدی^۳ تلاش کرده‌اند مجموعه‌ای از پرسش‌های معتبر را برای سنجش سرمایه اجتماعی در جوامع در حال توسعه، طراحی و ارائه کنند. آنان از ابزار سنجش خود در دو کشور آفریقایی غنا و اوگاندا، استفاده عملی کردند.

پاتنام برای سنجش سرمایه اجتماعی شاخص ترکیبی را معرفی می‌کند که از آمار مربوط به مشارکت در مجموعه‌ای از فعالیت‌های مدنی و سیاسی به دست آمده است. فوکویاما (۱۳۷۹) برای تخمین سرمایه اجتماعی، یک روش جایگزین را معرفی می‌کند. او معتقد است به جای سنجش سرمایه اجتماعی به عنوان یک ارزش مثبت، می‌توان افول سرمایه اجتماعی یا به عبارتی ناهنجاری‌های اجتماعی مانند جرم و جنایت، فروپاشی خانواده‌ها، مصرف مواد مخدر، طرح دعاوی و دادخواهی‌ها، خودکشی‌ها، فرار از پرداخت مالیات و مواردی از این دست را محاسبه کرد. با این پیش‌فرض که چون سرمایه اجتماعی وجود رفتارهای مبتنی بر همکاری را منعکس می‌کند، کاستی‌های اجتماعی منعکس‌کننده افول سرمایه اجتماعی است. یعنی می‌توان با مشاهده شواهد، روند تغییرات سرمایه اجتماعی را شناسایی کرد. استفاده از این روش یک مشکل عمده دارد که نادیده انگاشتن مسأله توزیع است.

از جمله روش‌ها در سنجش سرمایه اجتماعی روش استون^۴ و هیوز^۵ (۲۰۰۲) است که دارای یک جامعیت نگرش و دیگری طبقه‌بندی خوبی است که در آن اعمال شده، به گونه‌ای که در این روش علاوه بر بعد کمی، بعد کیفی سرمایه اجتماعی نیز مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. هم‌چنین سرمایه اجتماعی در سه سطح خرد- درون گروهی، خرد میان گروهی و کلان مورد مطالعه واقع

۱ - Inglehart

۲ - Narayan

۳ - Cassidy

۴ - Stone

۵ - Heuse

می‌شود. به این ترتیب در این روش انواع دوگانه سرمایه اجتماعی، یعنی ساختاری - که کمیت را می‌سنجد- و شناختی - که به کیفیت می‌پردازد- را در سه سطح ذکر شده مورد بررسی قرار می‌دهد (حسینی و همکاران، ۱۳۸۶: ۶۵).

اکثر قریب به اتفاق کسانی که در چند سال اخیر درباره سرمایه اجتماعی در محیط ایران به ویژه در شرایط پس از پیروزی انقلاب اسلامی سخن گفته‌اند، نسبت به پایین آمدن این سرمایه و آسیب‌ها و آفات آن هشدار داده‌اند، ولی وقتی مثال‌ها و مصادیق تعیین شده از سوی این افراد مورد توجه قرار گیرد، تکرار یک اشتباه بزرگ از سوی آنها موجب شگفتی است. این اشتباه که سابقه‌ای طولانی در کشور ما دارد، ارزیابی جامعه شرقی و جامعه اسلامی و جامعه ایرانی با معیارهای متناسب با یک جامعه غربی است.

سرمایه اجتماعی اگر وجهی نویافته و انکارناپذیر از یک جامعه باشد - که به راستی چنین است - الزاماً در همه جوامع، شکل و صورت واحدی ندارد. به بیان دیگر سرمایه اجتماعی حتی اگر مفهومی واحد باشد، قطعاً مصداق واحدی در همه جوامع ندارد و اقتضای سرمایه بودن آن این است که در هر جامعه‌ای متناسب با مقتضیات آن جامعه شکل بگیرد. هویت ملی، پیشینه تاریخی، باورها، دین، دردها و شادی‌های مشترک و سود و زیان‌های عمومی یک جامعه در چند و چون تولید سرمایه اجتماعی آن نقش دارد و لذا نمی‌توان میزان سرمایه اجتماعی در جوامع مختلف را با شاخص‌هایی یکسان سنجید. یکسان‌نگری در این گونه مفاهیم و معیارها تنها در صورتی معنادار و قابل تصور است که خاستگاهی فرابشری و آسمانی داشته باشد و از منظری فراتر از قوم و سرزمین و نژادی خاص بدان نگریسته شود.

باید توجه داشت که سرمایه اجتماعی یک ویژگی ژنتیکی فطری نیست، بلکه پدیده‌ای برخاسته از تجارب تاریخی مردم است و لذا همواره در معرض تغییر قرار دارد. شناسایی میزان و روند سرمایه اجتماعی در میان مردم جامعه می‌تواند به شناسایی روند تحولات فرهنگی و اجتماعی آن جامعه کمک زیادی بکند (شارع‌پور، ۱۳۸۵: ۱۱۳). از این رو با مطالعه علمی و شناخت دقیق سرمایه اجتماعی در میان اقشار مختلف جامعه می‌توان از این مفهوم در تحلیل مسایل اجتماعی، فرهنگی به عنوان متغیر پیش‌بینی کننده و نیز استفاده از ظرفیت‌ها و منابع (مادی و انسانی) در وجه فرهنگی، اجتماعی بهره گرفت.

سرمایه اجتماعی را می‌توان تأثیر اقتصادی مؤلفه‌های فرهنگی یک سیستم اجتماعی دانست که در

آن مؤلفه‌هایی نظیر اعتماد، مشارکت داوطلبانه، هنجارهای حرفه‌ای، پاسخگویی و موارد مشابه باعث می‌شوند تا هزینه‌های مدیریتی نظیر نظارت و کنترل رسمی، رایزنی‌های مدیریتی، کندی ناشی از سیستم بورکراتیک و موارد دیگر پایین آمده و امکان استفاده از زمان و سرمایه در جهت انجام فعالیت‌های با بهره‌وری بیشتر، فراهم گردد (علوی، ۱۳۸۰: ۴۰).

وجود شبکه‌ها (که از مؤلفه‌های اصلی سرمایه اجتماعی هستند) به شیوه‌های مختلف به کارکرد بهتر بازار کمک می‌کند. سرمایه اجتماعی به کارآیی نهادهای دولتی و حکومتی کمک می‌کند (شارع‌پور، ۱۳۸۳).

در دو دهه اخیر، گسترش کاربرد و مفهوم سرمایه اجتماعی در متون علمی و پژوهشی، اسناد مربوط به سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در کشورهای مختلف جهان با روند فزاینده‌ای ادامه دارد. امروزه سرمایه اجتماعی را یکی از اجزای ثروت ملت‌ها و توسعه پایدار، یکی از ابزارهای ظرفیت‌سازی در اجتماعات، تدبیری برای پیشگیری و کاهش مشکلات اجتماعی و عاملی برای موفقیت برنامه‌های رفاه اجتماعی و ارتقای سلامت فردی و اجتماعی می‌دانند (توالایی و شریفیان ثانی، ۱۳۸۴).

ادبیات معاصر توسعه، این فرضیه را مطرح می‌کند که سرمایه اجتماعی یک متغیر مهم برای موفقیت در برنامه‌های توسعه‌ای (اشتغال پایدار، مشارکت و ...) است. بنابراین فرضیه، برنامه‌های اجتماعی در مناطقی موفق‌ترند که دارای سرمایه اجتماعی بالاتری هستند. بررسی تجربی این رابطه در ایران و اثبات و یا رد این فرضیه نیازمند پژوهش‌های تجربی بیشتری می‌باشد (تاج‌بخش، ۱۳۸۴: ۱۳).

در مجموع می‌توان از سرمایه اجتماعی به عنوان ابزاری برای نیل به اهداف سیاست اجتماعی استفاده کرد. به همین دلیل توصیه می‌شود که در طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه‌ها، به طور صریح به ملاحظات مربوط به سرمایه اجتماعی توجه داشت.

۴- یافته‌ها و تحلیل

در این بخش از نوشتار با استفاده از تحلیل ثانویه مفاهیم و شاخص‌ها، تلاش می‌کنیم در کنار ارائه تحلیلی کلی از وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران، به تبیین مؤلفه‌های توسعه اجتماعی مؤثر بر آن بپردازیم. بدیهی است با استفاده از یافته‌های مطالعات میدانی، داده‌های گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد و اطلاعات آماری منتشر شده توسط مرکز آمار ایران، این مهم

امکان پذیر گردیده است.

۴-۱-نگاهی به وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران

با پیروزی انقلاب اسلامی و آغاز تغییر و تحولات گسترده در ساختارهای سیاسی و اقتصادی میزان مشارکت مردم و اعتماد متقابل دولت و مردم به شدت افزایش یافت. به عبارت دیگر می توان یکی از نتایج بزرگ پیروزی انقلاب را که خود بر اساس سرمایه اجتماعی شکل گرفت، تقویت سرمایه اجتماعی در عرصه سیاسی و اقتصادی کشور دانست. اما برخی سیاستها و برنامه های دولت های بعد از انقلاب علیرغم دنبال کردن اهداف مثبت، آثار منفی بر سرمایه اجتماعی گذاشته اند. بگونه ای که امروزه اعتمادی که مبتنی بر ارزش های اسلامی مورد انتظار است، مشاهده نمی گردد (مهدوی و برخورداری، ۱۳۸۵: ۲۳۸).

نمودها و مصادیق سرمایه اجتماعی در هر جامعه ای قابل تبیین و مشاهده است. ایران، به علت مذهب مشترک، زبان مشترک، آیین و رسوم خاص، اعیاد و عزاداری ها، احترام عامه مردم به یک سری اصول و ارزش ها، و... دارای عناصری از اعتماد، انسجام و مشارکت اجتماعی است. مردم خصوصاً بعد از انقلاب، در تظاهرات ها و راهپیمایی ها و نماز جمعه ها شرکت داشته اند، در مسائلی نظیر سیل و زلزله و سقوط هواپیما و ... همگی یک حس داشته اند. در مسائلی نظیر حضور ایران در جام جهانی یا قهرمانی ورزشکاران و ... نیز این حس مشترک که نماد و نمودی از سرمایه اجتماعی است، به روشنی قابل مشاهده است. اما در عین حال سرمایه اجتماعی، عنصری ثابت و خنثی نیست. نظام و سیستم اجتماعی با هر تحرکی، ممکن است دچار نقص و انحراف در اعتماد اجتماعی، انسجام و مشارکت اجتماعی شود و سرمایه اجتماعی با کاهش مواجه شود و این مسئله مهم به تدریج مهاجرت، افسردگی، اعتیاد، نارضایتی عمومی و ... را در پی خواهد داشت.

به دلیل هویت دینی مردم ایران، تحلیل، ارزیابی و سنجش سرمایه اجتماعی در این دیار باید با رویکردی دینی صورت پذیرد. شاید چنین تحلیلی ما را به نتیجه ای یکسان در باره وضعیت سرمایه اجتماعی در کشور برساند، اما مهم این است که به مبنایی استوار و فرایندی بومی و واقعی و روشی معتبر و کارآمد برای همه ادوار دست یافته باشیم. تردیدی نیست که با وجود همه خدمات و افتخارات برآمده از انقلاب اسلامی، به دلیل سرخوردگی های ناشی از دوررس جلوه کردن عدالت اجتماعی فراگیر در سال های اخیر، بخش هایی از سرمایه اجتماعی - به هر مفهوم

که باشد - در کشور ما دچار آفت و آسیب شده است، اما چه بسا بخش‌هایی دیگر از سرمایه‌های دست‌ناخورده و غنی اجتماعی نیز در این کشور وجود داشته باشد که با معیارهای متعارف نه قابل شناخت است و نه قابل سنجش و تنها در رویکردی بومی و دین‌محور می‌توان آنها را شناخت و از آن بهره برد. به یقین آنگاه که در پی ساماندهی سرمایه اجتماعی برای رسیدن به افق چشم‌انداز بیست ساله کشور برآییم، بازنگری در مفهوم و ابعاد سرمایه اجتماعی و روش سنجش آن متناسب با آموزه‌های دینی و واقعیات جامعه ایرانی اهمیت مضاعف خواهد یافت.

میزان اعتماد اجتماعی (به عنوان یکی از مهمترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی) در ایران و چند کشور منتخب در جدول (۱) ارائه گردیده که مربوط به سال‌های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۱ میلادی و به استناد منابع بین‌المللی است. به طوریکه در ایران میزان اعتماد اجتماعی از نظر حذف و عدم حذف افرادی که از پاسخ دادن امتناع ورزیده‌اند، نسبت به کشورهای دیگر اختلاف زیادی مشهود است.

جدول ۱: میزان اعتماد اجتماعی در کشورهای منتخب (۱۹۹۰ تا ۲۰۰۱)

درصد افرادی که مردم کشورشان را قابل اعتماد اعلام کرده اند		کشور
بدون حذف افرادی که از پاسخ دادن امتناع ورزیده‌اند	با حذف افرادی که از پاسخ دادن امتناع ورزیده‌اند	
۶۴/۱	۶۶/۵	دانمارک
۶۳/۷	۶۶/۳	سوئد
۴۹/۶	۶۵/۳	ایران
۵۲/۵	۵۴/۵	چین
۳۹/۶	۴۳/۱	ژاپن
۳۸/۹	۴۱/۰	هند
۳۷/۵	۳۷/۹	مصر
۳۵/۵	۳۵/۸	آمریکا
۲۸/۵	۲۹/۷	بریتانیا
۲۰/۸	۲۱/۳	مکزیک
۱۵/۵	۱۵/۷	ترکیه
۱۰/۸	۱۱/۲	الجزایر

وجود سطح بالایی از سرمایه اجتماعی پیوند دهنده (درون گروهی) و تنزل سرمایه اجتماعی متصل کننده (برون گروهی) شاید بتواند تبیین کننده میزان پایین اعتماد اجتماعی در بین افراد جامعه باشد به طوریکه که در پیمایش‌ها، پژوهش‌های مرتبط با سرمایه اجتماعی هر چه از خانواده و گروه‌هایی مانند: اقوام، دوستان و همسایگان دورتر شویم حلقه اعتماد تنگ‌تر می‌شود. همچنین هر جا گروه‌های شغلی در پی منافع شخصی خود بوده و وظایف شغلی در چارچوب قوانین و اصول اخلاقی انجام نگیرد، از اعتماد کمتری برخوردار بوده‌اند.

هم چنین از دیگر دلایل عمده عدم رشد اعتماد اجتماعی در ایران معاصر این بوده است که محور برنامه‌های کلان کشور را بر ابعاد سخت‌افزاری توسعه متمرکز کرده‌اند. تحلیل برنامه‌های عمرانی قبل از انقلاب و برنامه‌ریزی‌های بعد از انقلاب، نشان دهنده عدم توجه به ابعاد اجتماعی توسعه است. محور برنامه‌های مذکور عمدتاً الگوی روستویی بوده که بر رشد اقتصادی و افزایش در آمد ملی تأکید دارد.

۴-۲ - نابرابری‌ها

فرایند توسعه در همه ابعاد آن خصوصاً در بعد اجتماعی به معنایی که از دهه ۱۹۹۰ میلادی رایج شده، در جهت مشارکت آحاد مردم در امور جامعه، پذیرش حقوق آنان و ... مطرح می‌شوند. بدین گونه توسعه اجتماعی در جهت رفع تبعیض و ایجاد فضای اجتماعی مناسب برای بروز توانایی‌های بالقوه انسان‌ها گام برمی‌دارد. این موضوع بی‌تردید در جامعه امروز ایران که شاهد نمودهایی از سیر نزولی در برخی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی هستیم، اهمیتی بسزا دارد. جامعه ایران در سال‌های گذشته تحولات ساختاری همه جانبه‌ای را تجربه کرده است. این تحولات، دگرگونی در ساز و کارهای اداره جامعه را الزامی ساخته است.

آنچه از روند توسعه اقتصادی و اجتماعی جامعه ایران برمی‌آید: بهبود بسیاری از شاخص‌های توسعه کشور در چند سال گذشته است. بطوریکه بررسی تغییرات شاخص توسعه انسانی در ایران نشان دهنده افزایش تدریجی شاخص از ۰/۵۵۹ در سال ۱۹۸۰ به ۰/۷۷۷ در سال ۲۰۰۶ (گزارش سال ۲۰۰۸) می‌باشد. این نرخ رشد شاخص توسعه در مقایسه با سال‌های قبل از آن محسوس‌تر می‌باشد. هر چند که رشد برخی از شاخص‌ها را می‌توان دلگرم کننده و نشان‌دهنده چشم‌اندازی روشن از روند توسعه انسانی و اجتماعی در کشور دانست، اما نکته مهم این است که از یک سو سیر صعودی شاخص‌ها در قیاس با برخی کشورهای هم‌ردیف کمتر است و از سوی دیگر به سبب توزیع نامناسب امکانات و منابع توسعه در بدنه جامعه، شکاف میان فقیرترین و غنی‌ترین

استان‌ها به گونه نسبی همچنان ادامه دارد. نامتوازن بودن شاخص‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی، محرومیت چند لایه افراد را در جامعه به نمایش می‌گذارد و تا اندازه زیادی موجبات اختلاف میان بالاترین و پایین‌ترین دهک جامعه را فراهم می‌نماید.

یافته‌های آنالیز تاکسونومی (علوی تبار، ۱۳۸۲) که با استفاده از شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی مبادرت به رتبه‌بندی استان‌های کشور برحسب ضریب توسعه اجتماعی - اقتصادی کرده، شکاف و نابرابری‌ها را به وضوح نشان می‌دهد (جدول ۲)، بطوریکه استان سیستان و بلوچستان با ضریب تاکسونومی ۰/۰۹۳ - در پایین‌ترین حد توسعه اجتماعی اقتصادی و استان تهران با ضریب ۰/۸۴۶ دارای بالاترین حد توسعه اجتماعی اقتصادی است (علوی تبار، ۱۳۸۲).

بر اساس ضرائب توسعه اجتماعی و اقتصادی استان‌های کشور در گروه‌های خیلی توسعه یافته تا خارج از منطقه همگن طبقه‌بندی شده‌اند (جدول ۳).



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول (۲): درجه بندی استان ها بر حسب ضریب توسعه اجتماعی و اقتصادی

استان	ضریب
سیستان و بلوچستان	-۰/۰۹۳
هرمزگان	۰/۱۶۲
کردستان	۰/۱۸۴
کهگیلویه و بویر احمد	۰/۲۱۰
آذربایجان غربی	۰/۲۳۷
اردبیل	۰/۲۵۳
ایلام	۰/۲۵۵
لرستان	۰/۲۶۲
بوشهر	۰/۳۲۳
کرمانشاه	۰/۳۳۹
زنجان	۰/۳۴۵۲
خوزستان	۰/۳۴۵
همدان	۰/۳۵۸
کرمان	۰/۳۹۲
مازندران	۰/۴۱۷
چهارمحال و بختیاری	۰/۴۲۰
گیلان	۰/۴۸۰
آذربایجان شرقی	۰/۴۸۳
فارس	۰/۴۸۵
خراسان	۰/۴۹۳
مرکزی	۰/۵۰۵
قم	۰/۶۱۲
سمنان	۰/۴۲۷
یزد	۰/۶۴۵
اصفهان	۰/۷۵۰
تهران	۰/۸۴۶

مأخذ: علوی تبار، ۱۳۸۲

جدول (۳): رتبه‌بندی استان‌ها بر حسب درجه توسعه یافتگی اجتماعی و اقتصادی

رتبه	استان
خارج از منطقه همگن	سیستان و بلوچستان
خیلی محروم	هرمزگان، کردستان، کهگیلویه و بویراحمد، آذربایجان غربی، اردبیل، ایلام، لرستان
محروم	بوشهر، کرمانشاه، زنجان، خوزستان، همدان، کرمان، مازندران، چهارمحال و بختیاری
در حال توسعه	گیلان، آذربایجان شرقی، فارس، خراسان، مرکزی
توسعه یافته	قم، سمنان، یزد
خیلی توسعه یافته	اصفهان، تهران

افزون بر این با مراجعه به منابع آماری (مرکز آمار ایران و بانک مرکزی) می‌توان گفت که در اغلب موارد استان‌هایی که از توزیع مناسب امکانات و برخورداری بالاتر در شاخص‌های اقتصادی بهره‌مند هستند، در زمینه شاخص‌های اجتماعی مانند نرخ باسوادی و نرخ بیکاری نیز وضعیت مناسب‌تری دارند. استان‌های با درجه توسعه بالاتر در شاخص‌هایی که بیانگر پیامدهای نابرابری فضائی است، برخورداری بیشتری دارند؛ برای نمونه استان‌هایی مانند اصفهان، یزد و سمنان که توسعه یافته‌ترند، نرخ بیکاری پائین‌تر و نرخ باسوادی بالاتری را دارا می‌باشند.

پیامد برخی از نابرابری‌های اجتماعی و فضایی در استان‌ها عبارت است از مهاجرت‌های گسترده و بازنگشتن دانش‌آموختگان به زادگاه‌های محروم خود، همچنین افرادی که از مناطق محروم به استان‌های برخوردار مهاجرت کرده‌اند، از سطح تحصیلات و مهارت بالایی برخوردار بوده‌اند که اینجا می‌توان این فرض را مطرح نمود که این نیروهای کوچیده، از سرمایه اجتماعی بالایی برخوردار بوده‌اند. همچنین عدم توجه به سرمایه اجتماعی در برخی مناطق و حتی در سطوح ملی، مانع از ایجاد جو اعتماد دو جانبه گردیده و منجر به اتلاف نیروی انسانی و انرژی اجتماعی شده که در این رابطه می‌توان برای نمونه به عدم پیوستگی نخبگان قومی و محلی با نخبگان مرکزی و ملی اشاره نمود. در سایه نابرابری‌های اجتماعی در اثر توزیع نابرابر منابع نمی‌توان مسیر توسعه پایدار و توسعه پایدار اجتماعی را طی نمود.

جهت نشان دادن برخی از نابرابری‌ها که بر نابرابری‌های اجتماعی و بی‌عدالتی مؤثر است، بر اساس آخرین آمار گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در سال ۲۰۰۵، نسبت نابرابری‌ها (توزیع

درآمد و مصرف) در کشورمان در مقایسه با بسیاری از کشورهای هم‌مدیف، بسیار بالا می‌باشد (گزارش توسعه انسانی، ۲۰۰۵). برای مقایسه بهتر توزیع درآمد در خانوارها بین کشورهای مختلف و ایران رتبه توسعه انسانی کشورهای مورد مقایسه قرار گرفته است (جدول ۴).

جدول (۴): بررسی نابرابری‌ها در برخی کشورهای منتخب

کشور	کشور	کشور	کشور	کشور	کشور	کشور	کشور	کشور	کشور
شاخص	کشور	کشور	کشور	کشور	کشور	کشور	کشور	کشور	کشور
نسبت درآمد ۱۰ درصد ثروتمند به ۱۰ درصد فقیر	۱۷/۲	۱۳/۳	۷/۳	۷/۶	۷/۸	۷/۸	۸	-	-
نسبت درآمد ۲۰ درصد ثروتمند به ۲۰ درصد فقیر	۹/۷	۷/۷	۴/۹	۴/۸	۵/۲	۴/۷	۵/۱	-	-
رتبه توسعه انسانی (۲۰۰۵)	۹۹	۹۴	۱۲۷	۱۳۵	۱۱۰	۲۸	۱۱۱	۴۴	۶۱

گزارش توسعه انسانی سازمان ملل، سال ۲۰۰۵

در ایران درآمد ده درصد ثروتمند، ۱۷ برابر ده درصد فقیرترین بوده در حالیکه در کشورهایی مانند پاکستان، مصر و هند که از نظر رتبه توسعه انسانی، رتبه آنها از ایران به مراتب پایین‌تر بوده، از وضعیت توزیع درآمد مصرفی مناسب‌تری برخوردار می‌باشند. از سوی دیگر علی‌رغم رشد نابرابری‌های اقتصادی در برخی از جوامع، درآمد سرانه روند افزایشی از خود نشان می‌دهد و این به معنی فقیرتر شدن فقرا و ثروتمندتر شدن ثروتمندان یا افزایش فاصله طبقاتی می‌باشد.

۴-۳- نابسامانی‌ها، تهدیدات و آسیب‌های اجتماعی (شاخص‌های توسعه اجتماعی)

روند توسعه یافتگی زمانی بهتر مشخص می‌شود که روند نابسامانی‌های اجتماعی آن کشور که از جمله عوامل مؤثر بر زوال سرمایه‌های اجتماعی می‌باشند، در تحلیل و بررسی‌ها مورد توجه قرار گیرند. این رو در این مقاله، گذری کوتاه به روند برخی از آسیب‌ها و نابسامانی‌ها که به نوعی مستقیم و یا غیر مستقیم بر سرمایه اجتماعی و توسعه اجتماعی پایدار تأثیرگذار است، خواهیم داشت.

بررسی برخی از آمار و ارقام شاخص‌های متناسب به امور اجتماعی، نشان‌دهنده روند رو به تنزل آن در

سال‌های اخیر می باشد (جدول ۵). بطوریکه طی سالهای ۱۳۸۶ - ۱۳۷۳، حجم تصادفات، میزان طلاق ثبت شده، انواع مواد مخدر کشف شده، به ترتیب از میانگین رشد سالانه ۲۲، ۹/۳ و ۹/۴ درصد برخوردار بوده است. در این میان پرونده‌های مخومه طلاق (طی سالهای ۸۰ - ۱۳۷۳) از متوسط رشد سالانه ۱۴ درصدی و شاخص مهم نسبت طلاق به ازدواج در کل کشور نیز از ۷/۲ درصد در سال ۱۳۷۳ به ۱۰/۵ درصد در سال ۱۳۸۶ و در مناطق شهری این شاخص در سال ۷۳ از ۸/۶ درصد به ۱۴ درصد (به ازای هر ۱۰۰ ازدواج ۱۴ طلاق) در سال ۸۶ افزایش یافته است. بعلاوه شاخص‌هایی چون میزان سرقت‌های عادی و میزان قتل به ازای یک میلیون نفر جمعیت طی سالهای ۸۳ - ۱۳۷۵، رشد متوسط سالیانه‌ای معادل ۶/۴ و ۳/۱ درصد داشته است.

همچنین شاخص‌های پرونده‌های مخومه در دادگاه‌های عمومی، مجرمان دستگیر شده طی سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۸۳ به ترتیب از میانگین رشد سالانه ۲/۲ و ۱/۲ درصدی برخوردار بوده است (جدول ۵). بر اساس آمار سازمان پزشکی قانونی کشور، در سال ۱۳۸۷، ۲۳۳۶۲ نفر از هموطنان در تصادفات رانندگی کشته شدند که این رقم نسبت به سال ۱۳۸۶ حدود ۱/۹ درصد افزایش یافته است. در این ارتباط بر اساس آمار کمیته اصلاح رفتار راهنمایی و رانندگی، هر ۲۵ دقیقه یک نفر در جاده‌های کشور بر اثر تصادفات جان خود را از دست می‌دهد (اخوان بهبهانی، ۱۳۸۸: ۱۴). در کنار این عوامل می‌توان به برخی از نابسامانی‌ها و آسیب‌های اجتماعی مانند یکاری رویه به رشد، چندشغلی بودن افراد، روند رو به رشد کودکان کار و کودکان خیابانی، رشد سریع اجتماعات اسکان غیر رسمی، تغییر جدی در شیوه‌های جرم و جنایت، افزایش سن ازدواج، مسئله اعتیاد، عدم مشارکت توسعه‌ای جامعه و ده‌ها موضوع دیگر اشاره کرد.

داده‌های جدول (۵) مبین افزایش برخی ناهنجاری‌های اجتماعی است که در زمان افول سرمایه اجتماعی رخ می‌دهد و تلاش‌ها و برنامه‌ریزی‌ها آنگونه که شایسته ارزش‌های دینی و انقلابی بوده، جهت کنترل آسیب‌های اجتماعی به طور کامل موفقیت‌آمیز نبوده است؛ هرچند که تبیین این آسیب‌ها جنبه‌های گوناگونی دارد.

در صورت شیوع آشفته‌گی اجتماعی، باید منتظر افزایش نرخ آسیب‌ها و کجروی‌های اجتماعی نیز بود. نتایج حاصل از مطالعات تجربی در ایران در خصوص افزایش جرم آشکار و پنهان از جمله قتل، اعتیاد، طلاق، فساد مالی و جنسی، مؤید این ادعاست که این پدیده‌های کج‌روانه از حداقل پنج دهه پیش در جامعه ایران روندی فزاینده داشته‌اند. از سوی دیگر، طبق نظریه «نوربرت الیاس» در مورد رابطه تکنولوژی و جرایم اجتماعی، افزایش نرخ تصادفات رانندگی (به عنوان جرایم پنهان) در ایران، می‌تواند ناشی از اتخاذ راهبرد توسعه تکنولوژی محور و توسعه مبتنی بر مدرنیزاسیون صرف باشد، که در ایران عصر جدید، همواره دغدغه

مدیریت توسعه بوده است (قاسمی، ۱۳۸۷: ۱۸۳).

بدین نکته باید توجه داشت که در ذات توسعه نهادهای تضادگرا وجود دارد. برخی از پیامدهای آن مانند افزایش جمعیت، گسترش شهرها و حاشیه‌نشینی، آلودگی‌ها و خارج از اراده مجریان است؛ زیرا فرایندهای سیاسی، نظامی و فرهنگی در شکل‌گیری یک یا چند مورد از مؤلفه‌های ایجادکننده بی‌ثباتی اجتماعی نقش داشته‌اند. این مؤلفه‌ها بازتاب پیامد خود را در دوران جدید به نمایش گذاشته‌اند؛ از این رو می‌توان «مدیریت مهندسی اجتماعی» را به عنوان نمادی از مدیریت بحران تلقی نمود.



جدول (۵): روند برخی نابسامانی‌های اجتماعی

متغیر	بروزدهگی پروژه‌ها در دلال‌های عمومی ^۱	مجرمان دستگیر شده	انواع مواد مخدر کشف شده	خودکشی	پرونده‌های مجرمین طلاق ^۲	طلاق ثبت شده	نسبت طلاق به ازدواج	نسبت طلاق به ازدواج در مناطق شهری	میزان سرقت عالی	میزان قتل به ازای هر یک میلیون نفر	حجم تصادفات
۱۳۷۳	۱۱۳۱۱۱۹	۵۱۸۱۹	۱۳۵۹۰۰۶	۳۴۷۹	۹۸۳۹	۳۲۷۰۶	۷/۳	۸/۶	—	—	۶۵۴۸۵
۱۳۷۴	۷۲۷۵۳۱	۵۰۳۴۴	۱۸۹۱۳۷	۳۹۷۶	۶۱۳۷۶	۳۴۷۳۸	۷/۵	۸/۹	—	—	۱۰۷۱۹۸
۱۳۷۵	۸۲۰۶۶۷	۵۵۳۱۹	۱۶۳۸۵۵	۷۸۱۸	۶۹۳۷۷	۳۷۸۱۷	۷/۹	۹/۱	۱۰۱۸۷۳	۲۳/۴۲	۲۳۰۳۵۵
۱۳۷۶	۹۶۹۹۸۲	۵۷۱۰۹	۱۵۶۰۸۲	۷۸۶۸	۹۱۳۱۳	۴۱۸۱۶	۸/۳	۹/۴	—	—	۲۳۶۴۴۴
۱۳۷۷	۷۸۹۹۹۲۷	۶۰۵۹۷	۱۳۹۱۳۳	۳۷۹۷	۹۹۶۶۲	۴۳۲۹۱	۸	۹/۱	—	—	۲۳/۳۰
۱۳۷۸	۱۱۶۱۷۱۷۵	۵۳۳۵۵	۲۰۳۷۵۱	۳۷۰۸	۱۱۰۱۷۰	۵۱۰۴۴	۸/۳	۹/۵	—	—	۳۱/۱۶
۱۳۷۹	۱۳۳۴۴۷۸	۵۳۰۹۷	۱۸۸۳۷۳	۳۷۴۹	۱۲۰۵۰۶	۵۳۷۹۷	۸/۳	۹/۶	—	—	۳۲/۸۳
۱۳۸۰	۱۵۱۹۱۱۳	۶۳۰۴۸	۱۱۱۹۳۶	۳۲۷۵	۱۲۴۶۱۳	۶۰۵۵۹	۹/۴	۱۱	۱۳۳۷۹	۳۴/۳	۳۴۶۸۵۳
۱۳۸۱	۱۶۰۳۳۳۷	۶۶۰۹۳	۱۳۰۱۳۴	۳۴۶۳	—	۱۲۲۵۶	۱۰/۳	۱۱/۹	۱۶۴۵۵	۳۹/۵۱	۴۴۸۳۰۴
۱۳۸۲	۱۳۰۸۹۳۵	۵۷۷۸۸	۱۵۰۵۶۱	۳۷۴۵	—	۷۳۳۵۹	۱۰/۶	۱۲/۳	۱۸۵۸۶۱	۳۷/۱	۵۵۴۴۵۹
۱۳۸۳	۸۸۴۰۵۰	۵۸۴۴۱	۷۵۱۳۵۸	۳۷۴۳	—	۷۳۸۸۲	۱۰/۲	۱۲	۲۰۴۳۵	۳۹/۵	۷۸۳۳۸
۱۳۸۴	—	—	۲۹۲۸۸۵	—	—	۸۴۴۴۱	۱۰/۷	۱۲/۵	۱۸۵۳۳	—	۷۸۰۵۱۵
۱۳۸۵	—	—	۳۷۰۱۱۳	—	—	۹۴۰۴۰	۱۲/۱	۱۴/۱	۱۸۹۹۶۶	—	۸۱۱۹۸۱
۱۳۸۶	—	—	۸۵۱۶۷	—	—	۶۹۸۵۳	۱۱/۹	۱۴	—	—	۷۸۰۵۱۴

بر اساس نتایج اخذ شده از یک پژوهش (صالحی امیری، ۱۳۸۷) که از طریق روش دلفی (آینده‌نگری) و گروه‌های کانونی (نشست تخصصی) به اولویت‌بندی آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی دهه آتی ایران پرداخته شده، ۲۰ محور احصاء شده از آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی ایران به ترتیب اولویت عبارتند از:

- بیکاری ۸۴٫۸ درصد، - بی‌عدالتی و نابرابری اجتماعی ۸۱٫۸ درصد - فرسایش سرمایه اجتماعی ۷۴٫۲ درصد - اعتیاد ۷۲٫۷ درصد - فقر ۶۹٫۷ درصد - فرار مغزها ۶۷٫۷ درصد - بروکراسی ناکارآمد ۶۵٫۶ درصد - فاصله طبقاتی و فساد مالی و اداری هر کدام ۶۳٫۶ درصد - فقدان وجدان و تعهد کاری ۵۹٫۴ درصد - افزایش جمعیت ۵۸٫۶ درصد - بحران هویت ۵۵٫۲ درصد - حاشیه‌نشینی ۳۷٫۵ درصد - پارتی‌بازی ۳۳٫۳ درصد - ایدز ۳۰٫۳ درصد - مهاجرت روستا به شهر ۳۰ درصد - تمایزات نسلی ۲۷٫۶ درصد. طلاق، خشونت علیه زنان، دختران فراری، قاچاق انسان، روسپیگری و جرایم جنسی، وندالیسم، خودکشی، کودکان خیابانی و کار با درصدهای کمتر از جمله آسیب‌های دارای اولویت بعدی بوده‌اند که در دهه آتی مترتب جامعه ایران خواهد بود و برای این منظور باید راهبردهای دقیقی برای کنترل و به تعدیل درآوردن آن اتخاذ کرد.

برخی معتقدند که آسیب‌های اجتماعی برای جوامع انسانی اجتناب‌ناپذیر است، اما باید بدین نکته توجه شود که جامعه ما جامعه‌ای اسلامی است و چندان با جامعه جهانی نمی‌تواند مورد قیاس قرار گیرد. از سوی دیگر از آنجایی که کشور ما در سال‌های ۶۵-۶۰ با بالاترین نرخ رشد جمعیت مواجه بوده است. الان آن جمعیت به ۲۵-۱۸ سالگی رسیده و نیازمند تحصیلات، کار، ازدواج، مسکن و ... می‌باشند. تا ۱۰ سال آینده با انبوه فارغ‌التحصیلان مقاطع فوق لیسانس و دکترای بیکار مواجه هستیم که این جوانان تحصیل کرده ترکیب بزرگی از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند. اگر توانیم این نیروی جوان را در راستای فرهنگ اسلامی به حرکت درآورده و تأثیرات فرهنگ غرب را بر رفتارسازی آنها کنترل کنیم، خود تهدیدی به حساب می‌آید.

در یک تحلیل جامعه‌شناسانه و همه‌جانبه‌نگر می‌توان گفت بروز انواع آسیب‌های اجتماعی بعنوان رفتارهای متضاد با هنجارهای اجتماعی دلایل سیاسی، اقتصادی، فرهنگی روانشناسانه و خانوادگی دارد و غالباً عوامل فوق در یک ترکیب پیچیده موجب ظهور آسیب‌های اجتماعی می‌گردند. البته میزان دخالت هر یک از عوامل با توجه به نوع آسیب‌ها متفاوت است. در زمانی که عدم تعادل و از هم گسیختگی به صورت آسیب‌های اجتماعی ظاهر می‌شود، کشور و ملت از جنبه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و ... متحمل زیان‌های غیرقابل جبران می‌گردد. ولی یکی از مواردی که کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد، تخریب و

کاهش سرمایه اجتماعی است.

از دیگر سو با کاهش و افول سرمایه اجتماعی شاهد تبعیض، نابرابری، مهاجرت، عدم حس اعتماد عمومی، افزایش انحرافات و ... خواهیم بود که البته بررسی اهمیت و میزان تأثیرگذاری هر یک از این متغیرها خود به پژوهش‌های جداگانه ای نیازمند است. بدین نکته نیز باید توجه داشت که بر اساس نظرات برخی از صاحب‌نظران، ایمان و اعتقاد به خداوند در جلوگیری و کاهش انواع آسیب‌های اجتماعی نقش بسزایی دارد و از آنجایی که بر اساس برخی از مطالعات صورت گرفته در طی دهه‌های دوم و سوم انقلاب برخی از ارزش‌ها در نزد مردم تغییر کرده، لذا برنامه‌ریزی در جهت استفاده از آموزه‌های دینی به روش‌های نو و بدیع و نهادینه کردن و زمینه‌سازی این آموزه‌ها در رفتارهای اجتماعی اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. از جمله راهبردهای مؤثر در نیل به این مهم توجه و تقویت و ارتقاء سرمایه اجتماعی اسلامی و نیز ایجاد مرکز یا نهادی جهت سنجش، رصد، تدوین شاخص‌ها و ... در این مرکز پیشنهادی است.

۵- هم‌پیوندی شاخص‌های توسعه اجتماعی و سرمایه اجتماعی

ارتباط بین شاخص‌های توسعه اجتماعی و سرمایه اجتماعی را این گونه می‌توان تحلیل نمود. گسترش فقر و نابرابری‌ها در جامعه ناشی از توزیع ناعادلانه، بر اساس سلسله‌ای از روابط علت و معلولی، زمینه بروز مسائل و نابسامانی‌های اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی را فراهم می‌نماید. مشکلات ناشی از چنین بحران‌هایی که روند سقوط سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهد و یا در سایه نبود سرمایه اجتماعی به وقوع می‌پیوندد، خود سبب‌کنند حرکت در مسیر توسعه و بالاخص توسعه اجتماعی کشور می‌گردد. تا جایی که علیرغم پیشرفت‌ها و دستاوردهای کلان دولت‌های پس از انقلاب در فقرزدایی به دلیل باقی ماندن این مسائل (محرومیت چند لایه افراد در جامعه) مسأله بزرگتری را پیش روی جامعه قرار داده که از آن به عنوان امید و اعتماد اجتماعی باید یاد نمود. مقوله‌ای که اگر مهار نگردد از میان‌برنده سرمایه‌های اجتماعی کشور خواهد شد.

اقتصاد ناکارآمد، فشار و نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی، تعارضات فرهنگی، فروپاشی ارزش‌های خانوادگی، بی‌تفاوتی نسبت به قانون‌شکنی و ... همه نمودهایی از سیر نزولی سرمایه اجتماعی است که در ابعاد خرد و کلان در نهایت منجر به تبعیض و نارضایتی عمومی منجر می‌گردد، و در هر جامعه‌ای اعتماد عمومی و انسجام اجتماعی را با خطر روبرو می‌سازد و در نهایت سرمایه اجتماعی را به عنوان یکی از مؤلفه‌ها و اجزای کلیدی توسعه اجتماعی کاهش می‌دهد. برخی از اقدامات مانند

افزایش و گسترش تحصیلات و آموزش عالی، گسترش امکان تحرک طبقاتی و اجتماعی و ... موجبات افزایش رضایت فردی جامعه را فراهم ساخته است. اما در کنار این تحولات، بی‌سامانی در عرصه مدیریت، تعدد و تکثر الگوهای ساماندهی فرهنگی و اجتماعی و عدم انطباق سازمان مدیریتی کشور با تحولات اجتماعی و فرهنگی سبب شده است که نزد مردم فضای عمومی جامعه وضع نامطلوبی بیابد و افزایش جمعیت شهری نیز هر روز به این فضای نامطلوب دامن زده است.

از دیگر سو ساختارهای اجتماعی که شدیداً سلسله‌مراتبی یا نابرابر هستند، زمینه نامناسبی برای رشد سرمایه اجتماعی پدید می‌آورند. نابرابری اقتصادی در ارتباط نزدیک با سرمایه اجتماعی است. ظاهراً نوعی رابطه علی دو سویه بین این دو متغیر وجود دارد. وجود نابرابری، فاصله اجتماعی بین افراد یک جامعه را افزایش داده و احتمال پیوندهای اجتماعی یا تحقق هنجارهای مشترک را کاهش می‌دهد. در عین حال پایین بودن سرمایه اجتماعی در یک جامعه، توانایی جامعه را برای رسیدن به توسعه اجتماعی پایدار و برقراری عدالت کاهش می‌دهد.

از طریق ایجاد سرمایه اجتماعی می‌توان به سطوح توسعه اجتماعی دست پیدا نمود؛ یعنی اعتماد درون‌گروهی و برون‌گروهی به وجود آمده با ایجاد انسجام اجتماعی در قالب انجمن‌های غیردولتی باعث حمایت اجتماعی می‌شود به طوری که رفع تبعیض و ایجاد شرایط مساوی در کسب خدمات اجتماعی و توزیع عادلانه فرصت‌ها در پناه نهادهای اجتماعی یک جامعه پویا امکان‌پذیر می‌گردد.

نابرابری‌های اجتماعی به وجود آمده در کشور ممکن است به سبب استعدادهای منطقه‌ای باشد، اما برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی در سطح ملی، تا اندازه زیادی موجب این نابرابری‌ها است. همچنین برخی سیاست‌های نادرست و غیر هدفمند در توسعه کشور منجر به شکل‌گیری جامعه‌ای نامتوازن و درگیر با مشکلات اقتصادی ناشی از شکاف طبقاتی گردیده است، تا حدی که مسأله عدالت اجتماعی به یکی از مطالبات اساسی و اصلی جامعه در شرایط کنونی بدل شده است.

رفع این نابرابری‌ها و عدم تعادل‌ها جز از طریق توسعه درون‌زا با تکیه بر امکانات محلی، منطقه‌ای و ملی و بهره‌گیری از منابع بالقوه و بالفعل و سمت‌دهی امکانات و استعدادهای در مسیر صحیح برای ایجاد تعادل و توازن ممکن نیست. این مهم از طریق برنامه‌ریزی‌های توسعه در همه ابعاد و مشخص کردن سطوح برخورداری برنامه‌های توسعه از انواع سرمایه‌ها خصوصاً سطح

برخورداری از سرمایه اجتماعی میسر می‌گردد (احمدی‌شاپورآبادی، ۱۳۸۸: ۱۲۰).
وجود نابرابری، علاوه بر افزایش انواع نابسامانی‌ها و آسیب‌های اجتماعی، فاصله اجتماعی بین افراد یک جامعه را افزایش داده و احتمال پیوندهای اجتماعی یا تحقق هنجارهای مشترک را کاهش می‌دهد. در عین حال پایین بودن سرمایه اجتماعی در یک جامعه، توانایی جامعه را برای رسیدن به توسعه اجتماعی پایدار و برقراری عدالت کاهش می‌دهد.

در تلفیق و جمع‌بندی می‌توان این فرض را نمود که بین سرمایه اجتماعی و فرایند توسعه در مرحله‌ای که عدم تعادل‌ها، نابرابری‌ها، نابسامانی‌ها و تبعیض‌ها وجود دارد، چگونگی توسعه و برنامه‌های آن در توزیع مفید منابع در ایجاد و تقویت سرمایه اجتماعی نقش دارد. سپس بعد از آنکه با عناصری مانند آگاهی، توانمندسازی، اعتماد و مشارکت سرمایه اجتماعی شکل گرفت، این سرمایه می‌تواند به عنوان یک متغیر مهم در برنامه‌های توسعه‌ای وارد عمل شود و به کارآمدی برنامه‌ها و همراهی و همکاری آحاد مردم منجر گردد. بدین ترتیب می‌توان گفت که دست کم در مراحل اولیه، سرمایه اجتماعی و توسعه دارای ارتباط دو سویه می‌باشند. به عبارتی سرمایه اجتماعی هم بر روند توسعه تأثیرگذار است و هم از آن تأثیر می‌پذیرد.

معتدل بودن شرایط اجتماعی که از توزیع امکانات و منابع حاصل می‌شود، می‌تواند موجب افزایش اعتماد اجتماعی و تقویت هنجارهای اجتماعی در میان شهروندان گردد و زمانی که حس اعتماد اجتماعی به صورت فراگیر در جامعه توسعه و گسترش پیدا کند، می‌تواند بستر ساز و ظرفیت‌ساز بسیاری از برنامه‌های مبتنی بر توسعه پایدار گردد. لذا بی‌نهایت ضروری است که توسعه اجتماعی را ایجاد کرد و توسعه و بهبود بخشید، تا به توسعه پایدار دست یافت.

نتیجه

دستیابی به توسعه و پیشرفت مستلزم به کارگیری و بهره‌برداری بهینه از انواع سرمایه می‌باشد. سرمایه‌های طبیعی، مالی و اقتصادی، انسانی و اجتماعی گونه‌های مختلف از سرمایه می‌باشند که منابع انرژی در جامعه است. با مطالعه علمی و شناخت دقیق سرمایه اجتماعی در میان اقشار مختلف جامعه می‌توان از این مفهوم در تحلیل مسایل اجتماعی - فرهنگی به عنوان متغیر پیش‌بینی کننده و نیز استفاده از ظرفیت‌ها و منابع (مادی و انسانی) در وجه فرهنگی، اجتماعی بهره گرفت.

برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و اقتصادی در دوران توسعه و نوسازی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار

خواهند بود. زیرا دولت و سازمان‌های اجرایی وظیفه دارند تا بخشی از محیط اجرایی و سازمانی را براساس ضرورت‌های آینده فعال سازند. در این شرایط ضروری است تا برنامه توسعه و تحولات محیط اجتماعی ضمن پیوند با یکدیگر روندهای تعدیل را برای بهینه‌سازی الگوها و روش‌ها فراهم آورند.

یافته‌های این نوشتار برخی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در کشور را نزولی ارزیابی می‌کند. هم‌چنین دیگر یافته‌ها نشانگر این است که روند برخی از نابسامانی‌ها و آسیب‌های اجتماعی در طی سال‌های اخیر افزایش یافته است و به نظر می‌رسد که افزایش این نابسامانی‌ها رابطه‌ای تنگاتنگ با عدم تعادل و نابرابری فضایی حاصل از توزیع نابرابر منابع و امکانات در سطح کشور دارد. هرچند برخی نابرابری‌ها ممکن است به سبب استعدادهای منطقه‌ای باشد، اما برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی در سطح ملی و برخی سیاست‌های نادرست و غیر هدفمند در توسعه کشور که منجر به شکل‌گیری جامعه‌ای نامتوازن و درگیر با مشکلات اقتصادی ناشی از شکاف طبقاتی گردیده، تا اندازه زیادی باعث این نابرابری‌هاست.

به رغم تدوین دستورالعمل‌هایی تحت عنوان نظام برنامه‌ریزی در برنامه‌های گذشته به نظر می‌رسد اجزای برنامه‌ها از انسجام و ارتباط ارگانیک برخوردار نبوده و از این رو زمینه‌هایی برای نادیده گرفتن برخی وجوه برنامه خصوصاً در حوزه‌های اجتماعی و فقر و نابرابری فراهم آورده است. این نقطه ضعف با توجه به غلبه نگرش اقتصادی و ضعف دیدگاه اجتماعی در برنامه‌ها، زمینه‌سازی توجهی به ضرورت تدوین سیاست‌های اجتماعی مشخص و عملیاتی نمودن آنها در برنامه‌ها شده است.

توزیع ناعادلانه درآمد، منابع و امکانات نه تنها به گسترش فقر و شکاف اجتماعی و اقتصادی منجر شده بلکه زمینه‌های افزایش نابسامانی‌ها و آسیب‌های اجتماعی را در کشور فراهم کرده است که از این پیامدها می‌توان روند تغییرات سرمایه اجتماعی (کمیود و سقوط سرمایه اجتماعی) را شناسایی کرد. از دیگر سو ساختارهای اجتماعی که شدیداً سلسله‌مراتبی یا نابرابر هستند، زمینه نامناسبی برای رشد سرمایه اجتماعی پدید می‌آورند. نابرابری اقتصادی در ارتباط نزدیک با سرمایه اجتماعی است. ظاهراً نوعی رابطه علی دو سویه بین این دو متغیر وجود دارد. وجود نابرابری، فاصله اجتماعی بین افراد یک جامعه را افزایش داده و احتمال پیوندهای اجتماعی یا تحقق هنجارهای مشترک را کاهش می‌دهد. در عین حال پایین بودن سرمایه اجتماعی در یک جامعه،

توانایی جامعه را برای رسیدن به توسعه اجتماعی پایدار و برقراری عدالت کاهش می‌دهد. رعایت عدالت و انصاف از جانب نهادهای حقوقی و سیاسی جامعه و همچنین معتدل بودن شرایط اجتماعی موجب افزایش اعتماد اجتماعی و تقویت هنجارهای اجتماعی در میان شهروندان می‌گردد. در این ارتباط وجود نابرابری‌ها و تبعیض‌ها در جامعه، تورم و ... شاید بتواند یکی از دلایل پایین بودن اعتماد نسبت به سازمان‌های دولتی قلمداد گردد.

علاوه بر مشارکت - به عنوان یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های تقویت‌کننده سرمایه اجتماعی - در ابعاد سیاسی باید مشارکت در ابعاد اقتصادی و اجتماعی، تعریف و بسترسازی‌های آن مورد اهتمام قرار گیرد. چرا که چنین مشارکت‌های فواید متعددی برای توسعه دارد خصوصاً در مواردی که جامعه با بن‌بست‌های اجتماعی یا ناامیدی روبرو می‌گردد و نسبت به محیط خود بدبین می‌شود. در چنین شرایطی لازم است تا افراد و گروه‌های مختلف اجتماعی از حلقه‌های درونی خود جدا گردند. به این ترتیب آنان به حلقه‌های واسط و سازمان‌های جدیدی متصل می‌گردند که روند اجتماعی‌شان را برای آنان فراهم می‌نماید.

هرگاه در فرایند توسعه سیاست‌های توسعه‌ای به صورت یکپارچه و هماهنگ همه حوزه‌ها (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی) را در برنگیرد و یکی از حوزه‌ها مورد توجه بیشتری باشد، برنامه‌های توسعه به نتایج بدکارکردی منجر می‌شود که همانا تشدید نابرابری‌ها است. این نابرابری‌ها که محصول توزیع نامتعادل می‌باشند، به آسیب‌های دوران گذار موسوم‌اند.

به منظور حمایت و پشتیبانی از حرکات اجتماعی در ارتباط دوسویه سرمایه اجتماعی و توسعه، دولت‌ها می‌توانند از طریق برنامه‌های توسعه به توزیع مناسب و متعادل منابع پرداخته و در نهایت به تقویت هنجارهای مولد در گروه‌ها و بافت اجتماعی بپردازند. اما این امر بدون اندازه‌گیری و سنجش سرمایه اجتماعی و وضعیت موجود آن امکان‌پذیر نمی‌گردد. در این خصوص با هدف برنامه‌ریزی توسعه‌ای می‌بایست شعاع اعتماد اجتماعی را سنجش نمود. افزون بر آن این اعتمادسنجی را در ارتباط با مسائل و موضوعات مرتبط با نقش دولت در اقتصاد و نیز تعمیم آن به مسائل سیاسی و فرهنگی می‌توان انجام داد.

انباشت سرمایه اجتماعی به عنوان یک متغیر مهم برای موفقیت در برنامه‌های توسعه و نیز توانمندی و افزایش این سرمایه پیش شرایط لازم برای یافتن راه‌حل‌های پایدار و قابل دوام برای توسعه می‌باشد.

پیشنهادها

با توجه به اهمیت سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار اجتماعی لازم است برنامه‌های مختلفی برای افزایش ذخیره این سرمایه انجام گیرد که برخی از این موارد به شرح ذیل پیشنهاد می‌گردد:

۱- تشویق و تقویت نهادهای اجتماعی، صنفی، حرفه‌ای، تشکلهای ورزشی و ایجاد حلقه‌های مطالعاتی؛

۲- برنامه‌ریزی برای غنی‌سازی فرهنگ اجتماعی؛

۳- توجه به ارتقای سرمایه اجتماعی در آموزش‌های عمومی و تخصصی؛

۴- با توجه به آنکه پژوهش‌ها و نظرسنجی‌های انجام شده تاکنون به معنای سنجش سرمایه اجتماعی به طور کامل نیست، ضرورت دارد مؤسسه‌ای به طور مستقل و حرفه‌ای برای زیرنظر گرفتن وضعیت سرمایه اجتماعی در ایران تأسیس شود؛

۵- اهتمام به تشکیل و توسعه شوراهای محلی به مثابه سرمایه اجتماعی هم به صورت یک ضرورت و هم به صورت یک هدف؛

۶- مطالعات و پژوهش‌های علمی و جامعی برای پاسخگویی به این گمانه که هر کشوری که از سرمایه اجتماعی، بالاتری برخوردار است؛ برنامه‌ریزی‌ها و برنامه‌های توسعه آنان نیز موفق‌تر می‌باشد.

در پایان به برخی از مواردی که در قانون برنامه چهارم توسعه به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با سرمایه اجتماعی مرتبط است، اشاره می‌گردد. با امید به آنکه اجرایی شدن برنامه‌ها بتواند موارد ذیل را از حد گفتار و نوشتار به عمل، از حاشیه‌ای و زینتی بودن اسناد توسعه، به متنی همراه با سازوکار و چگونگی ایجاد آنها در جامعه پیش‌بینی و تبدیل نماید.

- تهیه ساز و کارهای سنجش و ارزیابی سرمایه اجتماعی در کشور، ارائه گزارش سالانه سرمایه اجتماعی کشور و احصای علل و عوامل تأثیرگذار بر آن؛

- تدوین طرح جامع مشارکت و نظارت مردم، سازمان‌ها، نهادهای غیردولتی و شوراهای اسلامی در توسعه پایدار کشور و فراهم کردن و توسعه کمی و کیفی و گسترش نهادهای مدنی با اعمال سیاست‌های تشویقی؛

- پرورش عمومی قانون‌مداری و رشد فرهنگ نظم و احترام به قانون و آئین شهروندی؛

- ترویج مفاهیم وحدت‌آفرین و احترام‌آمیز نسبت به گروه‌های اجتماعی و اقوام

مختلف در فرهنگ ملی؛

- حمایت از تشکل‌های اجتماعی در زمینه صیانت از حقوق کودکان و زنان؛
- طراحی برنامه‌های ویژه اشتغال، توانمندسازی جلب مشارکت‌های اجتماعی، آموزش‌های شغلی و مهارت‌های زندگی به ویژه برای جمعیت‌های سه دهک پایین درآمدی در کشور.
- ایجاد رویکرد توانمندسازی و مشارکت محلی براساس الگوهای نیازهای اساسی توسعه و تشخیص نیاز توسط جوامع محلی برای ارائه خدمات اجتماعی، از طریق نظام انگیزشی برای پروژه‌های عمرانی کوچک متناسب با ظرفیت‌های محلی؛
- بسط و گسترش روحیه نشاط، شادابی، امیدواری، اعتماد اجتماعی، تعمیق ارزش‌های دینی و هنجارهای اجتماعی.
- خدمات‌رسانی به موقع به افراد در معرض آسیب‌های اجتماعی با مشارکت سازمان‌های غیردولتی؛
- ترویج فرهنگ تعاون (محل تجمع سرمایه فیزیکی، انسانی و اجتماعی) و اصلاح محیط حقوقی توسعه‌بخش؛
- اقدام‌های لازم برای حمایت از هیأت‌های مذهبی و تشکل‌های دینی با رویکرد بهبود کیفیت فعالیت‌ها و پرهیز از خرافات و انحرافات.

منابع

- احمدی شاپور آبادی، محمدعلی (۱۳۸۸)، نگرشی بر آمایش فرهنگی سرزمین و جایگاه آن در برنامه ریزی توسعه فرهنگی، **فصلنامه راهبرد یاس**، شماره ۱۷.
- اخوان بهبهانی (۱۳۸۸)، نگاهی به حوادث راندگی در کشور، **روزنامه جام جم**، سال دهم، شماره ۲۵۶۴.
- اسدی و همکاران (۱۳۵۶)، گرایش‌های فرهنگی و نگرش‌های اجتماعی در ایران، **گزارشی از یک نظرخواهی ملی در سال ۱۳۵۳**، تهران: پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران.
- ایسنا (۱۳۸۷)، **مهندسی فرهنگی - بررسی انحرافات و آسیب‌های اجتماعی**، سایت خبرگزاری دانشجویان ایران.
- بوستانی (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی و توسعه سیاسی، **مجموعه مقالات همایش سیاست‌ها و مدیریت برنامه‌های رشد و توسعه در ایران**، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
- پوراحمد، احمد (۱۳۸۱). عدم تعادل در نظام شهری کشور و آمایش سرزمین، **مجموعه مقالات همایش آمایش و دفاع سرزمینی**، تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
- پیران، پرویز و همکاران (۱۳۸۵) کارپایه مفهومی و مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی (با تأکید بر شرایط ایران)، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، سال ششم، شماره ۲۳.
- تاجبخش، یحیی (۱۳۸۴)، **سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه**، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، شیرازه.
- تاجبخش، یحیی (۱۳۸۴)، کاربرد نظریه سرمایه اجتماعی در تأمین اجتماعی، **مجموعه مقاله‌های نخستین سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی**، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- توالایی و شریفیان ثانی (۱۳۸۴)، **نقش سرمایه اجتماعی در برنامه‌ریزی برای رفاه اجتماعات محلی**، **مجموعه مقالات**، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- حسینی و همکاران (۱۳۸۶)، رتبه‌بندی سرمایه اجتماعی در مرکز استان‌های کشور، **فصلنامه**

رفاه اجتماعی، شماره ۲۶.

- حسینی (۱۳۸۴)، **سرمایه اجتماعی: بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و سهم استان در تولید ناخالص داخلی برای سال ۷۹**، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشگاه مازندران.
- دینی ترکمانی، علی (۱۳۸۵)، تبیین افول سرمایه اجتماعی، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، سال ششم، شماره ۲۳.
- ربانی خوراسگانی، علی و ارشدی، وحید (۱۳۸۵). تأثیر سیاست‌های توسعه اقتصادی و سیاسی ایران بعد از جنگ در تخریب سرمایه اجتماعی، **مجموعه خلاصه مقالات همایش سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران**، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی و موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۶)، **توسعه و تضاد**، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۰)، فرسایش سرمایه اجتماعی و پیامدهای آن، **نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران**، شماره ۳.
- شارع‌پور، محمود (۱۳۸۵)، **مفهوم‌سازی، سنجش و دلالت‌های سیاست‌گذاری**، ساری: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان مازندران.
- صالحی‌امیری، علیرضا (۱۳۸۷)، **چشم‌انداز آسیب‌ها و تهدیدات اجتماعی ایران**، آدرس اینترنتی: www.dchq.ir
- صوفی، مجید و مجیدپور (۱۳۸۳)، روند شاخص‌های اجتماعی ایران، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، شماره ۱۲، دانشگاه علوم بهزیستی.
- عبداللهی و موسوی (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی در ایران وضعیت موجود، دورنمای آینده و امکان‌شناسی تبار گذار، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، شماره ۲۵.
- علوی تبار، علیرضا (۱۳۸۲)، **الگوی مشارکت شهروندان در اداره امور شهرها**، تهران: سازمان شهرداری‌های کشور.
- علوی، بابک (۱۳۸۰)، نقش سرمایه اجتماعی در توسعه، **ماهنامه تدبیر**، شماره ۱۱۶.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، **پایان نظم**، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان، چاپ اول.

- قاسمی، یارمحمد (۱۳۸۷)، ارزیابی نحوه مدیریت توسعه در ایران، **نامه علوم اجتماعی**، شماره ۳۳.
- قدوسی، حامد (۱۳۸۴). رابطه سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی از منظر نهادگرایی، **مجموعه مقاله‌های سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی**، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- کلمن (۱۳۷۷)، **بنیادهای نظریه اجتماعی**، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- ماهنامه اقتصاد ایران (۱۳۸۵)، شماره ۸۷، اردیبهشت ماه.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۹)، **بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی فرهنگی در ایران**، تهران: دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور.
- محمدی، محمدعلی (۱۳۸۴)، **سرمایه اجتماعی و سنجش آن**، انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۶)، سالنامه آماری کشور ۱۳۸۶-۱۳۷۳.
- مرکز ملی آمایش سرزمین (۱۳۸۵)، **راهنمای انجام مطالعات برنامه آمایش استان تهران**، بی‌جا.
- مهدوی و برخورداری (۱۳۸۵)، سرمایه اقتصادی و توسعه اقتصادی (مورد ایران)، **مجموعه خلاصه مقالات همایش سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران**، بی‌جا.
- میرزاوند، فضل‌الله (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی حلقه مفقود اقتصاد ایران، **هفته نامه خبری، تحلیلی برنامه**، شماره ۱۵۰. *رساله جامع علوم انسانی*
- الوانی و شیروانی، علیرضا (۱۳۸۲). **سرمایه اجتماعی اصل محوری توسعه**، ماهنامه تدبیر، شماره ۱۴۷.
- الوانی (۱۳۷۸)، نقش مدیریت در ایجاد و توسعه سرمایه اجتماعی، **مجله علمی - آموزشی تدبیر**، شماره ۱۰۰.
- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۷۹ و ۱۳۸۲)، **ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان**، دفتر طرح‌های ملی.
- کلانتری، صمد و گنجی، محمد (۱۳۸۴)، بررسی شاخص‌های توسعه اجتماعی، اقتصادی

ایران، *اطلاعات سیاسی، اقتصادی*، شماره ۲۱۲ و ۲۱۱.

- Coleman ,j.s.(1988) ,Social Capital in the Creation of human capital, *American Journal of Sociology* ; 94:95-120.
- Coleman ,j.s.(1990)*Foudation of social theory* , Cambridge, Mass: Harvard University Press.
- Fukuyama, F.(1999)*Social Capital and Civil Society*, The Institute of Public Policy ,George Mason University.
- Rice, Tom W. and Jeffrey Ling(2002) *Democracy, Economic Wealth and Social Capital* ,Sorting Out The Causal Connections Space and Polity, Vol 6. No3.pp:307 – 325.
- Serageldin,I.(1996), *Sustainability and wealth of nations- First step in the ongoing journey*, Environmentally Studies and Monographs Series No.5,The WorldBank, Washington D.C.
- UNDP, Human Development Report(2008), (<http://www.undp.org>).
- Wall , Ellen, Gabriele Ferrazzi, and Frans Schryer (1998), Getting the Goods, on Social Capital ,*Rural Sociology*,63(2).
- Warner, M (1999), Social Capital Construction and the role of the Local state, *Rural Sociology*,63(3).
- World Bank (1998), *Social Capital for Development : What is Social.*

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی